

لُوچ

نشریه گروه کوهنوردی تهران

اسفند ۱۳۷۱

شماره ۹



يا مقلب القلوب والا بصار

يا مدبر الليل والنهاير

يا محول الحول والاحوال

حول حالنا الى احسن الحال

برنامه شش ماهه اول سال ۷۲ گروه کوهنوردی تهران

ردیف	تاریخ	قله	منطقه	سربرست
۱	جمعه ۱/۲۰	آبشار سنگان	سنگان	کاوس احمدی
۲	۱/۲۵ تا ۲/۱	قله تختان	خاش	محمد رئوفی
۳	۲/۲	سنگ نورده		کمیته فنی - ناصر سرور ماسوله
۴	۲/۱۰	قله کندر		فروزان زیادلو
۵	۲/۱۷	کلاس بیخ و برف		مجید درودگر
۶	۲/۲۴	سنگ نورده		ناصر سرور ماسوله
۷	۲/۲۱	قله آبک	میگون	ناج
۸	۲/۷	قله توچال - چهارپالون		حسن زاده
۹	۳/۱۶ تا ۱۳	قله دماوند شمالی		مقدم
۱۰	۳/۲۱ تا ۱۹	قله شاه معلم	ماسوله	ناصر سرور ماسوله
۱۱	۳/۲۸	سنگ نورده		هادی ایرانی
۱۲	۴/۴	قله نازوکهار (۵/۱ روزه)		نقی نصیری
۱۳	۴/۱۱	تعطیل		
۱۴	۴/۱۸	قله آتشکوه	دره کتر	فرهاد شیخانی
۱۵	۴/۲۵	قله دوبرار (۵/۱ روزه)	لاسم	عرب
۱۶	۵/۱	سنگ نورده		مجید درودگر
۱۷	۵/۸	قله وردهوش (۲ روزه)	سیاه بیشه	امیر هوشنگ پهلوانزاده
۱۸	۵/۱۵	قله قزل	همدان	مسعود خرم رووی
۱۹	۵/۲۹ تا ۲۲	علم کوه	کلاردشت	امیر جوهری
۲۰	۶/۵	خرسنج	گرمابدر	صفایی
۲۱	۶/۱۱ تا ۱۲	شناسایی برنامه زمستانی		سربرست برنامه زمستانی
۲۲	۶/۱۹	سنگ نورده		محمد فرسادی
۲۳	۶/۲۶	کلون بستک	شمشك	حسین محمدی

اوج

بولن گروه کوهنوردی تهران

زیر نظر: شورای نویسنده‌گان

صفحه آرایی: ابرا هیمی

حروفچینی: ثانیه

تکثیر: دفتر فنی اسودیان دسترسی

صندوق پستی: ۱۳۶۵-۷۱۵۸

نشانی: ضلع جنوبی ورزشگاه شهید شیرودی - دفتر مشترک فدراسیونها - طبقه اول

گروه کوهنوردی تهران

چکوئی اشتراک:

به منظور اشتراک اوج، یکی از موارد زیر را انتخاب و مبلغ مربوطه را به حساب شماره ۹۴۷ بانک صادرات، شعبه ۱۲۲۸، میدان سید جمال الدین اسدآبادی (تهران) به نام فروزان زیادلو واریز کرده و پس از آنکه راهنمراه درخواست اشتراک به آدرس زیر ارسال فرمائید.

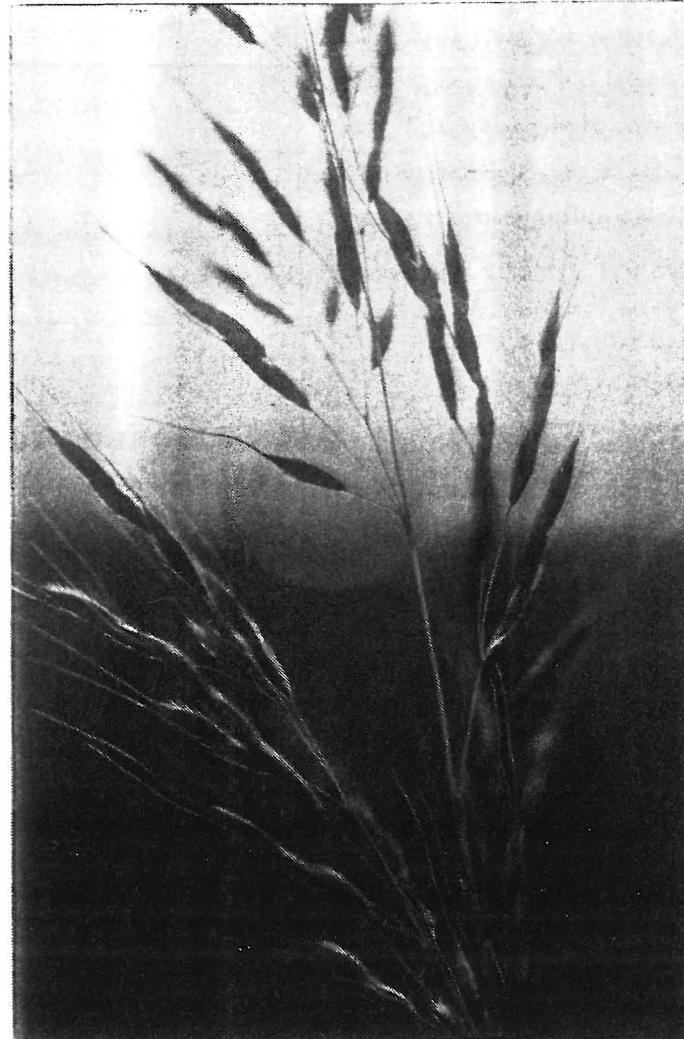
لطفاً، در نامه ارسالی تان به مورد انتخابی و شماره اوج که از آن به بعد مایلید نشانه بر این فرستاده شود، اشاره فرمائید.

هم چنین، کمکهای خود را بیز می توانید به حساب فوق واریز نمائید.

اشتراک ۶ ماهه: ۱۵۰۰ ریال

اشتراک سالانه: ۳۰۰۰ ریال

نشانی: تهران - صندوق پستی ۲۱۵۸-۱۱۳۶۵



فهرست

- | | |
|---|---------------------------------|
| ۴ | همه چیز هست، اما گستته و بی هدف |
| گزارشی از مسائل و مشکلات کوهنوردی همدان | |
| ۱۰ | جغرانیای طبیعی همدان |
| ۱۱ | هم درس، هم ورزش؛ با انضباط شخصی |
| ۱۲ | سال آینده، سال جوانان است |
| ۱۴ | اورست، جعبه کانگ شونگ |
| ۱۹ | فرداشیون همگوش شناونداشت؟ |
| ۲۲ | مسیریابی |
| ۲۴ | با گروههای کوهنوردی آشنا شویم |
| ۲۶ | رنگین کمان |
| ۳۰ | در کوهستان چه خبر |
| ۳۲ | پاسخ به نامه‌ها |



همه چیز هست، اما گستته و بی هدف

تئیه کننده: فروزان زیادلو

اوج در بی آنست که در هر شماره سری به نقاط و مراکز کوهرنوردی کشور بزنده و مسائل و مشکلات آن خطه‌ها را بد رشته تحریر نکشد. هدف ما اینست که از طریق شناخت و انعکاس واقعیات، از یکسو به مسئولان برای برنامه‌ریزی بهتر کمک کنیم و از سوی دیگر، از طریق طرح مشکلات اجرانی و مسائلی که مسئولان با آنها روبرو هستند، تصویر بهتر و واقعی‌تری از آنچه که می‌توان انجام داد، در اذهان عمومی پدید آوریم – و باشد که در پس این تلاش، هم‌گوش شنوازی پیدا شود و هم رشته تفاهم و مودت که مدتی است گستته، ترمیم و استحکام یابد. البته، ما رسالتی بیش از آنچه که بطور معمول از یک «نشریه» انتظار می‌رود، نداریم و اهرم قوی و مؤثری جز نوشتن نیز در دست نداریم. اما، معتقدیم که همین اهرم کافی است. وقتی، مسائل از عمق به سطح می‌آید. دیده و شنیده می‌شود و تقاضای پشت سر خود را برای پی‌گیری و تحقق آن شکل می‌دهد و سازمان می‌بخشد. این، چیزی است که در شرایط نوسازی کشورمان به آن احتیاج داریم، یعنی واقیعت‌یابی و انعکاس آن در برنامه‌های اجرایی – و از آن مهمتر تفاهم و پیوند مجدد و استفاده از توان و تجربه همه نیروهای اجتماعی.

همدان را در گام اول از آنرو انتخاب کردیم که یکی از شش مرکز کوهرنوردی فعال کشورمان است. این شش مرکز عبارتند از: تهران، تبریز، مشهد، کرمانشاه، اراک و همدان.

همدان، در پای «گنجنامه» آرمیده و خود گنجی است از تجربه و نیرو در عرضه کوهرنوردی کشور ما. از اینرو، به این مرکز قدیمی آمدیم و با جمعی از پیش‌کسوتان و مریبان کوهرنوردی این خطه، آقایان عزت... برقلشکری، محسن باقری و نعمت‌اخضری به گفتگو نشستیم. در این گفتگو، دو نفر از کوهرنوردان جوان آقایان جلال چشم قصابی و حمید اولنج نیز حضور داشتند. آنچه در زیر می‌خوانید، حاصل این نشست و گفتگو و مصاحبه می‌باشد.

همچنین، از مسئول محترم هیأت استان نیز تقاضا داریم که نظرات خود را برای مصاحبه برای ما بنویسند تا در شماره آتی اوج به چاپ برسانیم. بدین ترتیب، قضایا از همه ابعاد تکریسته شده و به قول معروف کسی تنها به قاضی نرفته است.

معرفی مصاحبه‌گران:

- آقای محسن باقری، کوهرنوردی را از سال ۱۳۳۷ آغاز کرده است. وی، در حال حاضر، عضو نجاح گذرانیده است. وی، سپس کلاس‌های دیگری (سال ۴۶) مشارکت داشته است. باقری، قبل از انقلاب در سطح مریبگری با نوش (سال ۴۷) و سب (سال ۵۵)، دو نفر مریب خارجی که به ایران آمده بودند، انقلاب نیز در سمت عضو کمیته فنی هیأت همکاری گذرانیده است. او، در ساخت پناهگاه‌های همدان داشته است. باقری، در سال ۵، برنامه برون‌مرزی نیز اداره می‌کند. باقری، کوهرنوردی با تجربه است که

تقالیط ایران است و ثانیاً در بین آنها، جوانان به وفور به چشم می‌خورند. هر کوهنورد همدانی، یعنی آنها که از دشت میشان بالاتر می‌روند، دارای مشخصه‌ای ویژه خود می‌باشد و این مشخصه «کوله» وی است که از حیث طرح و رنگ متفاوت با سایر کوهنوردان است.

به تازگی، قصد برآنست که در یکی از سالن‌های ورزشی شهر، دیواره مصنوعی نیز بسازند و جوانان علاقمند روی این دیواره به تمرین پردازند. البته، در حال حاضر، کلاس‌هایی به همت جلال چشم قصابانی که در مسابقات سنگ‌نوردی جزو نفرات اول شناخته شده و اخیراً کلاس داوری سنگ آلان رنه فرانسوی را نیز گذراشیده است، برای جوانان دایر شده و پس از تمرینات بدنی، تمرینات سنگ‌نوردی روی سنگ‌های کوتاهی که در حواشی دشت میشان و یا بالاتر از آن واقع است، انجام می‌گیرد. مرحبا به جلال و بچه‌های کلاشت که در فقدان امکانات و مکانیسم‌های تشویقی از سر عشقت به اینکار می‌پردازنند.

در همدان، سه فروشگاه و سایل کوهنوردي وجود دارد که به کارهای تولیدی نیز می‌پردازند. تولید و ساخت کوله در همدان شهرت خود را دارد. در این فروشگاه‌ها، گاه می‌توان پوشاش کوهنوردی را به بهای فوق العاده ارزان پیدا کرد. من (گزارشگر این مصاحبه) که به اتفاق آقای مسعود خرم‌رودی به همدان رفته بودم، پیش از آنکه در ساعت شش بعد از ظهر به گفتگو و مصاحبه با مریبان یادشده بپردازم، به همراه مسعود راهی دشت میشان و از آنجا قله کlaglan شدم. قصد ما، این بود که نگاهی دوباره به میدان‌های کوهنوردی و تأسیسات موجود بیفکتیم و از آن مهمتر با مردم عادی یعنی کوهروانی که تا پناهگاه اول و دوم می‌آیند به گفتگو بشنیم و نظر آنها را نیز پرس و جو کنیم تا پیش از مصاحبه در جریان مسائل و در جو عمومی و فضای حاکم بر کوهنوردی همدان قرار گیریم. از این‌رو، در پناهگاه اول با چند نفر به گفتگو پرداختیم و سوالاتی را برای آنها مطرح کردیم که ذیلاً سوال‌ها و پاسخ‌ها به طور اجمالی نقل می‌شود:

مقدمه:

همدان، یکی از مراکز فعال کوهنوردی ایران است. معروف‌ترین قله آن، قله الوند می‌باشد که بسان شیری خفته، از آن بلند، به شهر همدان که زیر پایش غنوده است، می‌نگرد. قلل مهم دیگر همدان عبارتند از: قله «دام برف»، قله «قزل»، قله «یخچال» و قله «کlaglan».

قلل کlaglan، دام برف و قزل در یک امتداد و روی یک خط الرأس قرار گرفته‌اند. البته، از مسیر دیگری جز کlaglan، یعنی از مسیر دره دوزخ نیز می‌توان به دام برف صعود کرد و مسیر را برای دست‌یابی به قزل ادامه داد. از همین مسیر دره دوزخ، یک گردۀ سنگی به کlaglan می‌رود که هو زستان به علت درگیری با سنگ و بیخ از مسیرهای مشکل می‌باشد. سوزنی‌های دام برف و قزل نیز دشواری‌ها و معروفیت خود را دارند.

همه این مسیرها، از پای گنجنامه شروع می‌شود که دارای محیط طبیعی زیبا و آثاری مرتفع و غران است و از اماکن تفریحی و تفرج‌گاه‌های شهر محسوب می‌شود. از پای گنجنامه، جاده‌ای است که به پیست اسکی همدان می‌رود.

تأسیسات کوهنوردی در همدان عبارتند از: پناهگاه اول در میدان میشان که دارای خوابگاه، رستوران، مسجد و حمام است، پناهگاه دوم که اندکی بالاتر از پناهگاه اول است و فقط دارای بوقه می‌باشد و بالآخره پناهگاه کlaglan که در دور دست‌ها واقع شده است.

پناهگاه‌های اول و دوم در روزهای تعطیل مملو از جمعیت است و از شدت تراکم جای نشستن ندارد. این همه، نشانه علاقمندی مردم همدان به کوهنوردی می‌باشد.

به طور کلی، کوهروان همدانی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: قشر عادی که تا دشت میشان یعنی پناهگاه‌های اول و دوم بالا می‌آیند و قشر کوهنورد که از آن به بعد مسیر را درمی‌نوردنده و به قله الوند و یا سایر قلل می‌روند. برای هر دو این گروهها، تأسیسات کوهنوردی ناکافی است و کمبودها به شدت به چشم می‌رسد.

از مشخصات کوهروان همدانی اینست اولاً جمعیت نسبی که به کوه می‌آیند، بیش از سایر

داشته و عضو نبی می‌بوده است که به هیمالیای پاکستان رفته و چهار قله را در آن منطقه صعود کرده‌اند. وی، در این برنامه سرپرستی بخشی از حمله را نیز بر عهده داشته است.

□ عزت‌ا... برق لشکری، کوهنوردی را از سال ۱۳۴۷ شروع کرده است. وی، پس از گذراشیدن کلاس کارآموزی، در سال ۱۳۵۵ کلاس مریگری سب را گذراشیده است. برق لشکری، از مریبان با تجربه و فعالی است که کلیه قلل بالای چهارهزار متر و دیوارهای صعب‌العبور را طی برنامه‌های تابستانی و زمستانی صعود کرده است. وی، در سال ۵۸ عضو کمیته فنی هیأت استان همدان نیز بوده و سپس مسئولیت کمیته پناهگاه‌ها را به عهده داشته و در ساخت پناهگاه‌های همدان مشارکت فعال داشته است.

نعمت‌ا... اخضری

از سال ۱۳۴۵ همزمان با ساخت پناهگاه میران میشان فعالیت کوهنوردی خود را آغاز کرده. اوج فعالیت وی در سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵

بوده است. او مدرک مریگری خود را در سال ۱۳۵۱ دریافت کرده است وی، جزو اولین کسانی بود که در همدان کار روی دیواره بیستون و علم کوه را آغاز کرده‌اند و همچنین جزو دومن گروهی است که بعد از آقای بابائی و نجاح مسیر «هاری روست» را صعود کرده‌اند. از مهترین کارهای وی می‌توان به فعالیت روی مبل برف خانه شیرکوه اشاره کرد. وی، تقریباً در تمام مناطق ایران فعالیت داشته و از جمله بطور تخصص تمام قلل منطقه جوپار و اشتران کوه را صعود کرده است.

همچنین برای اولین بار به هسراه فریدون اسماعیل زاده زستان ۱۳۴۹ قله قزل همدان را صعود کرده است.



هزارشگر: در شرایط موجود، نارسائی‌ها و کمبودهای کوهنوردی استان از حیث مسائل عنصر، تشکیل یک نظام یا سیستم را می‌دهند که از تعامل و روابط متقابل آنها ورزش کوهنوردی جان می‌گیرد و پویه خود را در روشن تر عرض کنم: کوهنوردی از سه جزء تشکیل می‌شود: تشکیلات اداری و رسمی که جهت رشد و تکامل می‌پیماید. بدیهی است که هر یک از این سه عنصر نقش و اهمیت کار هدایت و نظارت بر ورزش کوهنوردی را به عهده دارد، مربیان که به عنوان عنصر متفاوتی دارند. خود من فکر می‌کنم که آموزشی و تعلیماتی مطرح می‌باشند و تشکیلات اداری یعنی مدیریت کوهنوردی از کوهنوردان که خود از قشر کارآموز و حیث ایجاد شرایط فعالیت و تحرک برای این

کپی در پناهگاه الوند

همه جای دنیا، دولتها وظیفه سیاست‌گذاری و ایجاد تسهیلات قانونی و اداری را به عهده دارند. و پولی در کار نیست که بتواند همه نیازهای اجتماعی در شاخه‌های درمانی، آموزش، ورزش و غیره وغیره را جواب‌گو باشد. با این توصیف، چرا بخش خصوصی همدان در ایجاد اماکن عمومی پیش‌قدم نمی‌شود؟ آنچنانکه ما می‌بینیم با توجه به خیل جمعیت و تقاضا، این کار هم سودآور است و هم از کارهای عام‌المنفعه و خیر محسوب می‌شود. بخش خصوصی که در کشور ما، این همه آب انبار و سخانه و مدرسه و کاروان و مسجد ساخته است، چرا نباید در اینکارها پیشقدم شود؟

چ: اتفاقاً، یکی از مردان خیر همدان پیشنهاد ایجاد «تله‌سی‌یز» از گنجانامه تا دشت میشان و همینطور اجاره تأسیسات موجود و گسترش آنرا به اداره کل تربیت بدنی استان داده بود. اما، کمیسیون امور اجتماعی شهر با این قضیه مخالفت کرده است. همدان، با توجه به پیست اسکی آن که می‌تواند تا خرداد ماه هر سال نیز برقرار باشد، دارای جاذبه توریستی برای سایر شهرها نیز هست و ساخت تأسیسات بوسیله بخش خصوصی و یا تعاونی و یا با مشارکت بخش دولتی قطعاً سودآور خواهد بود. در ایام اخیر، استاندار جدیدی به همدان آمده که از علاقمندان کوهنوردی محسوب می‌شود و چون هر هفته به کوه می‌آید، تنگناها و کمبودها را می‌بیند و لابد برنامه‌هایی برای رفع این مضيقه‌ها در مخیله خود دارد. پیشنهاد ما اینست که استاندار جدید، طرح‌های مشارکتی را به جریان بیندازد و مشکل کمبودها را به نحوی برطرف کنند.

س: به نظر می‌رسد که کوهنوردی در همدان از یک اقبال عمومی برخوردار است. آیا چنین است؟ اصولاً چه دلیل یا دلایلی برای این اقبال عمومی وجود دارد؟

چ: بعد از انقلاب، تعداد کوهروان خیلی پیش از انقلاب شده است و دلیل آن کمبود سایر زمینه‌های تفریحی و اجتماعی می‌باشد. همچنین، به علت رشد جمعیت که مشخصه آن افزایش تعداد جوانان در ترکیب جمعیتی کشورهای در حال رشد است، تعداد قابل توجهی از این نفرات را جوانان تشکیل می‌دهند که خصلت‌های ذهنی و روحی آنان با کوهنوردی انبساط دارد.

س: کارهای هیأت کوهنوردی استان همدان را چگونه ارزیابی و ارزشیابی می‌کنید؟

چ: علیرغم، خیلی اینبوی که به «کوهروی» گرویده‌اند، هیأت نتوانسته است شرایط پدید آورد که استعدادهای برتر به مرحله بالاتری یعنی «کوهنوردی» پا بگذارند. در زمینه ایجاد تسهیلات فیزیکی برای این قشر، نه تسهیلات کافی وجود دارد، نه برنامه‌های تبلیغاتی از رسانه‌های عمومی استان به اجراء گذارده می‌شود و نه کلاس‌های کارآموزی به اجراء گذاشته شده است. در حالیکه، مثلاً همین پناهگاه اول بایستی گسترش و توسعه یابد تا خیل مردم را که به پناهگاه می‌آیند، در سالن رستوران خود جای دهد و از ازدحام و تراکم جلوگیری کند. در زمینه تشر «کوهنوردان» نیز برنامه‌های هیأت جوابگوی احتیاجات و نیازمندی‌ها نیست.

س: در زمینه ساخت اماکن کوهنوردی، باید اشاره کنیم که دولت نمی‌تواند کارهای «تصدی» یعنی ساخت و اداره را به عهده گیرد. اصولاً، در

هیأت استان وجود دارد که مشغول فعالیت و دلسوزی است، شکلگیری و علاقمندی وی معلوم تعليمات مرحوم خدایاری میباشد، و گرنه محیط هیأت به نحوی نیست که سرشار از فعالیت و نشاط باشد و افراد را به فعالیت و همکاری جلب کند. اکنون من میخواهم به مطالبی که آقای برق لشکری در زمینه خلاء عاطفی بین مریبان و هیأت از یکسو و شکاف و گستگی بین مریبان قدیمی و نسل جدید جوانان گفته اند، مطالب دیگری را نیز اضافه کنم. چنانچه ارزشیابی کارهای هیأت مورد نظر باشد، ما برای این ارزشیابی مانند ارزشیابی هر پدیده و امر دیگری احتیاج به «شachsen» داریم. یعنی در واقع برای اجتناب از نظرات شخصی و ذهنی، باید برای قضاوت درباره کارهای هیأت چند شاخص کمی و عینی در نظر بگیریم. یکی از این شاخصها این

ورزش است که ما را هنوز به کوهنوردی متصل میکند. ما، خودمان به طور متفرقه فعالیتهای میکنیم که هزینه اش را کلاً خودمان میپردازیم و در رهگذر این فعالیت‌های شخصی است که تجربه و دانش ما به جوانان منتقل میشود. من تصور میکنم یکی از بزرگترین مشکلات همین است. یعنی تجربه نسل پیشین به نسل جدید منتقل نشده و بین آنها یک شکاف و خلاء بوجود آمده است. این شکاف و خلاء اضافه بر شکاف عاطفی است که در بالا گفتم و آن این بود که بین ما و تشکیلات اداری یک شکاف عاطفی نیز بوجود آمده و عشق و شور همکاری با هیأت را در ما کشته است. ما، به عنوان افرادی که عمری را بر سر کوهنوردی گذاشته ایم، علاقمندیم که جوانان کشور ما و خطه ما همدان شاداب و باشاط و سرحال باشند نه با

ورزش نقش مؤثرتری از سایر عناصر داشته باشد، چه به هر حال سازماندهی این ورزش با اوست. سوال من اینست که آیا شما با این تقسیم‌بندی موافق هستید یا نه؟ و اگر موافق هستید اهمیت کدام بخش و عنصر را بیشتر ارزیابی میکنید و کمبودها و نارسائی‌های هر یک از افراد را در چه میدانید؟

برق لشکری: من با تقسیم‌بندی شما موافق و معتقدم همانطور که شما گفتید نقش و اهمیت تشکیلات اداری در سازماندهی کوهنوردی بیش از سایر عناصر است. در واقع، مدیریت کوهنوردی است که شرایط و انگیزه‌های لازم برای فعالیت کوهنوردان و انتقال تجربه از مریبان به کوهنوردان را به وجود میآورد. هیأت‌ها در هر استان، مسئول ایجاد و احداث زیربنای و تأسیسات فنی نظری پناهگاه‌ها، برنامه‌ریزی آموزشی، ارتباط جمعی، مسابقات و نظایر آن هستند. از گذرگاه تشکیلات رسمی و اداری است که کمیته مریبان با کوهنوردان تماس و ارتباط برقرار میکند. بنابراین، می‌بینید که این مدیریت کوهنوردی است که باعث حرکت و رشد این ورزش میشود. چنانچه در کار مدیریت ضعف و فتوری وجود داشته باشد، این ضعف به سایر اجزاء نظام کوهنوردی منتقل میشود و آنها را نیز به ضعف میکشند. البته، در این شرایط هر گروه کوهنوردی رأساً و از روی میل و اراده خود فعالیت‌هایی انجام می‌دهد، اما باید گفت که این فعالیتها برنامه‌ریزی شده و مرتبط نیست. بلکه فعالیتی است خود جوش و مانند هر فعالیت خود جوش و بدون برنامه و مدیریت، باعث اتلاف انرژی میشود و سود دهی آن اندک است.

متأسفانه، تشکیلات کوهنوردی استان یعنی هیأت کوهنوردی استان، نه تنها از وجود ما مریبان برای پیشرفت این ورزش و انتقال تجربه به جوانان استفاده نکرده، بلکه بین ما یعنی افراد قدیمی و تشکیلات رسمی شکاف عاطفی نیز اندخته است. هیأت، از ما برای داوری مسابقات استفاده نکرده و جواب آمادگی ما برای همکاری در هیچ زمینه‌ای را نداده است. در واقع، فقط عشق ما به این



میتواند باشد که بینیم هیأت استان همدان ظرف ۱۰ سال به این نظر چه کرده و به عبارت دیگر کارنامه آن چه بوده است؟ شاخص دوم این است که بینیم مسؤولان کمیته‌های مختلف هیأت چه افرادی هستند و آیا در کار کوهنوردی تجربه و سایه‌های دارند یا خیر؟ و بالاخره یک شاخص دیگر این میتواند باشد که آیا کمیته مریبان در سطح استان همدان تشکیل شده و فعال است یا نه؟ در این مورد آخر باید توضیح بدهم که کمیته

یک ضبط زیر بغل سرگردان داشت میشان. باقی: در تأیید صحبت‌های آقای برق لشکری باید بگوییم که در گذشته رابطه هیأت و جامعه مریبان بسیار خوب بود. اگر هیأت یکنفر مریبی میخواست، ما ده نفر را معرفی میکردیم. اگر برای شرکت در کلاس و یا برای برنامه‌ای احتیاج به نفرات بود، تعداد کثیری داوطلب وجود داشت. اما حالا فقط تعداد قلیلی برای معرفی به کلاس‌های فدراسیون وجود دارند. در حال حاضر، اگر جوانی در

دوست دارم به یکی دو مطلب اشاره بکنم. شما، آقای گزارشگر، ضمن صحبت های آقای باقری که به تعداد قلیل برنامه ها اشاره می کردند، گفتید که سطح سنگ نوری استان همدان در حد بالایی قرار دارد و آیا این نمی تواند شانه فعالیت هیأت باشد؟ در جواب مطلب شما باید بگوییم که ما فقط حمید اولنج و جلال چشم قصابانی را داریم که در مسابقات شرکت می کنند. چرا باید تعداد سنگ نور دان ما محدود به این دو نفر و یا چند نفر دیگر باشد؟ پس این شاخص به متزله فعالیت هیأت نیست. ثالثاً، اینها اگر فعالیتی می کنند از خودشان می جوشد و مایه می گیرد. از هیأت نیست. کلاس های مریبگری درجه سه هم که اخیراً تشکیل شد، هزینه اش توسط خود بچه ها پرداخت شد، نفری ۱۲ هزار تومان و هیأت کوچک ترین کمکی به بچه ها نکرد. آیا این برخوردها و سیاست ها در جهت تشویق ورزش است؟ آیا اسم این سیاست ها را می توان سیاست های ورزشی صحیح گذاشت.

گزارشگر: خوب، بگذارید به همان سؤال قبلی یعنی اگر «شما مسئول هیأت بودید، چه می کردید؟» بازگردید. همین سؤال را ادامه می دهم و می پرسم در جهت بهسازی و توسعه تأسیسات فنی کوهنوردی در استان همدان نظیر پناهگاه ها و یا احداث دیواره های مصنوعی در سالن و سایر کارها نظیر برنامه ها آموزشی یا تبلیغات و جلب جوانان به این رشته ورزشی چه می کردید؟

باقری: همه این کارهائی که شما گفتید، بخشی از کارهائی بود که می شد انجام داد. پارسال قرار بود فرد خیری نصف هزینه ساخت یک پناهگاه را در دشت میشان بدهد و نصف دیگر را هم استانداری تقبل کند.

اما به علت عدم پیگیری هیأت این کار به سامان نرسید. به هر حال، من فکر می کنم برنامه های آموزشی و تبلیغاتی از صدا و سیمای استان می توانست در جلب جوانان به این رشته ورزشی و آگاه سازی آنها از خطرات کوهستان و سالم سازی محیط زیست بسیار مؤثر باشد. متأسفانه در حال حاضر هیچ یک این کارها انجام نمی شود و همه چیز در یک

گزارشگر: خوب، با تشکر از آقایان برق لشکری و باقری، اجازه بدید این مطلب را تا همینجا خاتمه بدهم و سؤالات دیگری را مطرح کنم. بایستی محدودیت صفحات اوج را نیز در نظر بگیرید. سؤال من اینستکه خود شما که اینقدر انتقاد به هیأت دارید، اگر مسئول هیأت بودید، چه می کردید؟

برق لشکری: همانطور که قبل اگفتم مهمترین سؤال رفع کدورت ها و پر کردن خلاء عاطفی و ترمیم روابط احساسی بین مریبان قدیمی و تشكیلات اداری استان است. الان، تمام پیش کشوت های کوهنوردی از هیأت زده شده اند. بنابراین، اگر ما به تجربه این افراد کم بهاء ندھیم و فکر کنیم که این تجربه به چه قیمت گزافی برای ما بوجود آمده و در واقع هزینه آن از جیب ملت پرداخته شده است، لذا بهتر است تدبیری برقرار کنیم که ارتباط مجدد برقرار شود. روی این اصل، در هر شش ماه یک بار از تمام پیش کشوتان و مسئولان گروه های مختلف کوهنوردی استان دعوت می کردم و عملکرد و بیلان کار هیأت را به آنها گزارش می دادم. این کار دو فایده دارد: یکی اینکه هیأت در هر شش ماه نسبت به شش ماه قبل مجبور می شود که کار چشمگیر تری ارائه دهد و دوم اینکه نظرات افراد مختلف را می شنویم و از توان و خرد جمعی در پیشبرد کارها استفاده می کنیم. کار دوم این بود که از هر یک از گروه های کوهنوردی یک نفر به عنوان مجری انتخاب کرده و در کمیته های مختلف عضو می کردم. با این ترتیبات یک نوع مشارکت جمعی در کارها ایجاد می شود و از همه نیروها استفاده می گردد.

گزارشگر: آقای اخضری، جنابعالی که دیر به مجلس مصاحبه ماتشریف آورده اید، خلی در آن گوشه ساكت نشته اید. چرا شما چیزی نمی گوئید؟

آخری: سروران من آقایان برق لشکری و باقری همه چیز را گفتند و من دارم استفاده می کنم. در ضمن اگر من باز هم راجع به کاستی ها و نارسائی ها بگویم، بحث را به عقب برگردانده ام. در حالیکه الان شما سؤال دیگری را مطرح کرده اید. اما به هر حال

مریبان به مثابه لولا و مفصلی می ماند که تشكیلات اداری را به کوهنوردان اتصال می دهد. در غیاب این کمیته، همانطور که آقای برق لشکری توضیح دادند انتقال تجربه از یک نسل به نسل دیگر صورت نمی پذیرد.

خوب، حالا این شاخص ها را به طور خلاصه بررسی می کیم: در مورد معیار یا شاخص اول باید به صراحت بگوییم که کارنامه هیأت بسیار ضعیف است و در عرض مدت ۱۰ سال کمتر کلاس آموزش یا برنامه اجرائی از طرف هیأت به اجراء گذاشته شده است. به یاد بیاوریم که همدان یکی از مراکز فعال کوهنوردی کشورمان است. ما در قدیم چندین برنامه آموزشی در هر سال در سطوح مختلف برگزار می کردیم و برنامه های مشترک زیادی با سایر گروه های بروون استانی اجراء می نمودیم. اما، در حاضر حاضر بروید از خود مسئولان هیأت پرسید که تقویم آموزشی و یا تقویم اجرائی آنها برای همین سال چیست و یا اینکه در سال های قبل چه کرده اند؟ خواهید دید که نتیجه نزدیک به صفر بوده است. اینها، معلوم چیست؟ به نظر من معلوم اینستکه در رأس کمیته های مختلف هیأت جز یکی که در بالا گفتم و دست پرورده مرحوم خدایاری می باشد، فرد کاملاً شایسته ای که متصر در امور کوهنوردی و صاحب بیشتر حرفة ای باشد وجود ندارد و به همین دلیل است که نه برنامه ای آموزش داده می شود و یا به اجراء در می آید و نه از توان افراد متخصص و مریبان استفاده می شود. در واقع، در استان همدان بطور نسبی همه چیز داریم، اما پراکنده و گسته است و به لحاظ ضعف مدیریت از توانمندی ها و ظرفیت ها استفاده بهینه نمی شود و رشد و تعالی رخ نمی دهد. و از همه بدتر همان خلاء عاطفی و روانی است که بین ما و دست اندک کاران پدید آمده و رفع و رجوع آن برای هر آدم دیگری که از راه برسد کاری بس دشوار است. چرا کمیته مریبان را تشکیل نداده اند؟ چرا باید با وجود مریبی درجه یکی مانند آقای برق لشکری سرکلاس آموزشی در همدان مریبی درجه سه بیاورند و به نیروهای موجود اهمیتی ندهند؟



هیأت‌ها در زمینه تأمین این وسایل به قیمت مناسب کاری انجام نمی‌دهند؟ مثلاً چرا در آمده‌های اختصاصی هیأت‌ها صرف خرید وسایل فنی نمی‌شود. در اینصورت هر هیأتی در هر استان می‌تواند حتی این وسایل را به گروه‌ها به بهای اندک اجاره دهد. چیزی که شما در مون بلان فرانسه مشاهده می‌کنید.

برق لشکری: به ظهر من. چنانچه با یک برگزاری اینکاری می‌توانیم جلب برگزاری اینکاری از افراد خیر و شرکت‌ها نیز جلب کمک شود. آنها حاضر خواهند بود که برگزاری اینکاری را تأمین مالی کنند. منتظر این کارها به جلب اعتماد و باور مردم و آنگاه سازی آنها احتیاج دارد.

گوارشگر: با تشکر از همه آقایان، ساعت رفتن ما نزدیک شده و باشد خودمان را به اتوبوس که به سمت شهران حرکت خواهد کرد. بر سایم: هنور من سوالات و مسائلی دارم که مانده است. اشاء الله در وقت و فرصتی دیگر.

خدانگه‌دار دوستان

کنیم. سنگنوردی در سالن آغاز کار است و بازدهی فرد را به عمل شرایطی که برای تمرينات مرتب در تمام فصول سال بدد می‌آورد، بالا می‌برد.

باقری: من می‌خواستم در زمینه برنامه‌های مسئول هیأت به دو نکته جزئی تو اشاره بکنم: به نظر من، برنامه برگزاری می‌تواند در ارتقاء تکنیک ما بسیار مؤثر باشد. البته این کاری است که فدراسیون کوهنوردی کشور باید انجام دهد و امیدوارم در این جهت گامی برداشته شود. مورد دیگر، تشویق است. باید

جوانان مورد تشویق قرار گیرند و از آنها بطور مادی و معنوی قدردانی شود. ورزش تنها با تشویق پیشرفت می‌کند. باید این مسئله را فهمید و باور داشت. در زمینه تمرينات مثلاً می‌توان برای کوهنوردان تسبیلاتی قائل شد. چرا ماقبلی به پناهگاه رودبارک می‌رویم باید همان مبلغ پولی را پردازیم که فلاں فرد غیر کوهنورد می‌پردازد؟ اینها نکات ظریفی است که در مجموعه خود یک سیاست را می‌سازد و می‌تواند کار را رشد دهد یا خراب کند. الان کوهنوردان ما از کمبود وسایل ورزشی زجر می‌کشند. برنامه‌های سخت و صعب در زمستان

به لحاظ فقدان این وسایل گاهای انجام نمی‌شود بدین ترتیب تجربه‌ای نیز بالا نمی‌رود و مهارتی افزایش نمی‌یابد. چرا فدراسیون و

سکوت و خاموشی فرو رفته است.

گوارشگر: بگذارید سوال دیگری را مطرح کنم و آن اینکه آیا شما آقایان با برنامه‌های سنگنوردی و مسابقات آن که این روزها بازارش داغ شده است، موافقید یا خیر؟ ساده‌تر بگوییم عده‌ای معتقدند که تمرينات و مسابقات سنگنوردی در افراد روحیه رقابت و فرگاری به وجود می‌آورد که این مغایر با اصول همکاری و تعاون و مشارکت در کوهنوردی است. نظر شما آقایان چیست؟

برق لشکری: من کاملاً با این کار موافقم و فکر می‌کنم که باید روی اینکار سرمایه‌گذاری کرد و حتی از سطح مدارس شروع کرد. به نظر من سنگنوردی از سطح سالن بالاخره منجر به سنگنوردی در سطح دیواره طبیعی و صخره‌ها می‌شود و چنانچه در ابتداء روحیه منفی به وجود آمده باشد. وقتی کار به محیط طبیعی خود یعنی آنجاکه صفات و خصوصیات اصلی کوهنوردی حاکم است کشیده می‌شود، طبیعت و ماهیت خود را باز می‌یابد. در واقع، آموزش سنگنوردی در سالن یک وسیله است و ارزش‌های اصلی بعداً به وجود می‌آید.

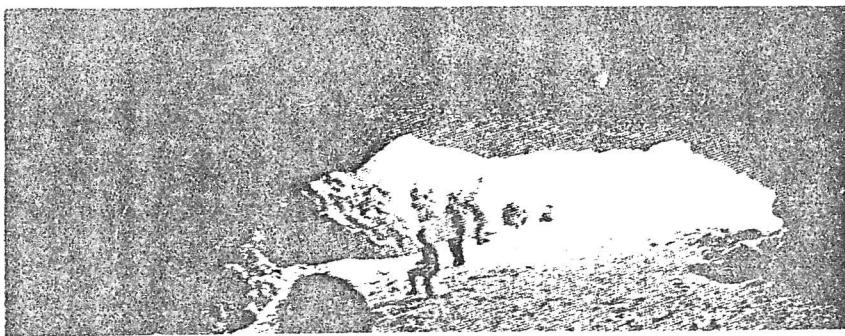
اخضری: کوهنوردی بدون سنگنوردی بی‌معنی است. ما به کمک سنگنوردی است که توانسته‌ایم قله‌های صعب‌العبور را صعود

جغرافیای طبیعی همدان

الوند و در حد فاصل الوند و کوه گرو، اسمی غار سوباشی و سراب که در حدود ۱۱ و ۷ سرزمینهای پست و دشت‌های هموار استان قرار کیلومتر با غار علی سرد فاصله دارند وجود دارد گرفته است.

آب و هوای استان: اغلب شهرهای استان همدان در ارتفاعات قرار دارند و در شمال شرق گفته می‌شود که برخی کانالهای غار علی سرد و شمال استان دشت‌های وسیعی وجود دارند که را تا حدود ۱۰ کیلومتری تعیب میدان عمل بادهای شدید می‌باشدند و توده‌های کرده‌اند.

غار هیرچ: این مناطق را تحت تأثیر خویش



قرار می‌دهند. وجود این دشت‌ها در مجاورت جوک در حدود ۶ کیلومتر فاصله دارد، در کناره نواحی مرتفع و کوهستانی باعث تولید بادهای شمالی کوه قوزی قشلاق واقع شده است و آنرا به شدید در سطح استان می‌شود که موجب شده زبان محلی زاغه دره‌سی گویند. این غار بر سر راه است ایستان همدان از مناطق بادخیز کشور اراک - همدان قرار دارد و طول آن ۵۲۰ متر است. آنچه بیشتر از همه در این غار جلب توجه می‌کند آویزهای آهکی عجیبی است که مانند یک قلب کامل از بدنه غار آویخته شده است. این غار در اطراف نلایر در نزدیکی روستایی به نام جوزان قرار دارد.

غار دره فراخ: دهانه غار در ارتفاع ۲۲۲۰ متری به سوی جنوب شرقی و اندازه آن ۱۲۰×۸۰ سانتی متر است. در این غار یک پلکان طبیعی وجود دارد.

غار سردکوه: این غار در اطراف ملایر و در نزدیکی دهکده کوچکی موسوم به سلطان‌آباد در ارتفاع ۲۴۴۰ متری کوه سرده ملایر قرار دارد. دهانه غار ۲/۲۵ و ارتفاع آن ۱/۳۵ متر است.

غارهای دیگر استان همدان عبارتند از: غار آق قایا، غار بگلجه، غار برگ لیجه، غار شهیر، غار گاوخانه و غار آزاد.

استان همدان با مساحت ۱۷۲/۰ کیلومتر مربع، جزء استانهای غربی ایران است. این استان از شمال به استان زنجان، از جنوب به استان لرستان، از شرق به استان مرکزی و از مغرب به استانهای بالختران و کردستان محدود می‌شود. بلندترین نقطه استان، قله الوند با ارتفاع ۳/۵۷۴ متر، بین شهرستانهای توپرگان و همدان قرار گرفته است.

استان همدان منطقه‌ای کوهستانی به شمار می‌رود و کوههای آن جزء کوههای مرکزی و غربی ایران هستند. از نظر تقسیم‌بندی زمین‌شناسی ایران، استان همدان در منطقه طوبیل و کم عرض سندج - سیرجان قرار گرفته، که عمدتاً از سنگهای دگرگونه (Metamorphic) تشکیل یافته است. فقط در برخی مناطق محدود سنگهای آذرین (مثل گرانیت الوند) به وجود آمده‌اند. از نظر جغرافیایی، کوهستانهای استان جزء پیشکوههای داخلی زاگرس می‌باشد که جهت آن نیز به موازات رشته کوه زاگرس است، یعنی روند شمال غرب به جنوب شرق را دنبال می‌کند.

کوه الوند: کوه الوند در واقع یک توده گرایانی است که در جنوب و در مغرب همدان واقع است، طول آن حدوداً ۴۰ کیلومتر و عرض آن به ۱۰ کیلومتر می‌رسد. سن این توده به ۷۰ میلیون سال قبل می‌رسد. از سنگهای گرانیت این کوه بعنوان مصالح ساختمانی استفاده می‌شود. یکی از زیباترین بنایهای که با آن ساخته شد، آرامگاه فیلسوف مشرق زمین ابوعلی سینا در شهر همدان است.

دیگر ارتفاعات مهم استان عبارتند از: کلاعلان (در مجاورت الوند)، آلمابlag (در حد فاصل اسدآباد و بهار)، لشگردر (در جنوب شرقی ملایر)، بوقطی (در بخش کوت آهنگ)، گرو (در جنوب نهاوند) و سیاه دره (توپرگان). در بخش شمال شرقی و شرق ارتفاعات

غارها: الف - غار علی سرد (علی صدر): در ۶۰ کیلومتری شمال غربی همدان در کوههای مرسوم به سوباشی و در روستای علی سد (به غلط علی سرد و سپس علی صدر!) واقع شده است. کوهی که این غار عظیم در آن قرار دارد در حدود جنوبی ده و چسبیده به آن است و ارتفاع چندانی ندارد. در این کوه دو غار دیگر به

مسی شرد و سه رور دیگر بین به کارهای سنگنوردی روی دیواره مصنوعی به سکه‌های طبیعی کوتاه و شبیه‌های منحنی پرداخت. اما، به لحاظ سردي هوا و نیزه دیواره مصنوعی، کارهای سنگنوردی، تقریباً در ۶ ماه سال متوقف می‌ماند. معداً لک ما سعی داریم با استفاده از سیمولاتور این نقص را تا حدی جبران کیم.

● آیا فعالیتهای ورزشی به کارهای درسی تو لطمه نمی‌زند؟

- با برنامه‌ریزی درست و پشتکار و صرف وقت می‌توان به هر دو کار رسید و من توانته ام از طریق انضباط شخصی به هر دو کار برسم و لطمه‌ای از این بابت به درس و مثمن وارد نماید. من، حتی فکر می‌کنم ورزش می‌تواند ایجاد نشاط کرده و روحیه شخص را قوی و مقاوم کند و او را در فعالیتهای اجتماعی اش مصمم‌تر سازد.

● آیا تاکسون در مسابقات سنگنوردی شرکت کرده‌ای؟

- بله، ولی مقامی نیاورده‌ام. انتظار هم ندارم که با یک سال شروع کار سنگنوردی در برابر افراد برجسته‌ای که در این رشته داریم، مقامی بیاورم. اما، من جوان هستم و برای رشد و پیشرفت خودم دارای اراده و برنامه‌می باشم و امیدوارم که در میدان رقابت ورزشی بر سکوی افتخار جا می‌گیرم.

● آیا علاقمند به حرکت در مسابقات منطقه‌ای هستی؟ و اصولاً در این جهت دارای عزم و اراده هستی که بتوانی با پیش‌گرفتن از رقبای داخلی، در مسابقات خارجی هم شرکت کنی؟

- به عقیده من ورزش در کار زندگی بک نوع شیوه درست زندگی کردن است و معمولاً کسی که در این راه قدم بر می‌دارد آرزوی رسیدن به بالاترین مقام ورزشی را دارد. من هم امیدوارم که در این مشی و شیوه ثابت قدم باشم و به پیشرفت تاکل شوم. باشد که سنگنوردان کشور ما نیز بتوانند در میادین ورزشی جهانی بر سکوی افتخار جای گیرند و سرود ملی کشور را به ترنم و طین درآورند. به امید حق.

● سعید جان! از وقتی که در اختیار ما گذاشتی مشترکیم و برای تو جوان خوب و نازنین و بالاراده پیروزیهای بیشتری آرزو می‌کنیم. خدا تکه‌دارت.

در سرگزارشکر ما به استان همدان برای بررسی وضعیت کوهنوردی استان، جوان ۱۸ ساله با نشاط، صمیمی و فعالی را دیدیم که به سنگنوردی عشق می‌ورزید. ساعتی که وی صرف اینکار می‌کرد و غیرغم تسهیلات ناکامی، علاقمندانه برای افزایش مهارت خود در سنگنوردی می‌کوشید، چهره بشاش و پیوستگی او به این کلو و خلاصه یک سری جاذبه‌های نادرنی عارا واداشت که با وی ماجهی ای ترتیب پنهانیم که با قطعه‌های دیدگاه‌های وی به عنوان نهایت‌های از نسل جوان شهرستانی کشورمان آشنا شویم. وی، به قدری به سنگنوردی و تمرينات آن علاقه نشان می‌داد که ما را به این سؤال کشاند که چه وقتی درس می‌خواند و به وظایف مدرسه‌ای خود می‌رسد؟ در زیر، این سؤال‌ها و جوابها را ملاحظه خواهید کرد. گفتنی این است که سعید توافته است با هزینه و ابتکار خود یک سینه صندلی نیز بسازد که ظاهرًا با نمونه خارجی آن تفاوتی ندارد.

هم درس هم ورزش؛ با انصباط شخصی



● آقای سعید خرمودی سلام! چند سال داری و کلاس چند هستی؟

- من متولد سال ۱۳۵۳ هستم و هم اکنون در سال سوم تحریبی به روش ترمی درس می‌خوانم.

● از چه سالی سنگنوردی را شروع کرده‌ای؟ ماشاء الله می‌بینم که عضلات و بدنه پیچیده داری.

مجموع این مسائل یعنی انرژی و نیروی جوانی از یک طرف و اعتقاد به رشد اخلاقی مرا به این رشته کشاند. البته همانطور که در بالا گفتم، راهنمایی‌های برادرم و دوستانش و الگوهایی که از کردار و رفتار آنها در ذهن داشتم مرباید این رشته کشاند.

● استان همدان از نظر امکانات سنگنوردی چه کمبودهایی دارد؟

- در کوهنوردی استان همدان، بسان سایر مناطق کوهنوردی کشور کمبودهایی از حیث وسایل و امکانات و تسهیلاتی که باید برای کارهای تمرين فراهم باشد، به چشم می‌خورد.

بخصوص، فقدان دیواره مصنوعی باعث شده که تمرينات به طور منظم ادامه نیابد و تابع شرایط آب و هوایی باشد. گاهی کمبود و یا بند و سایل فن باعث ایجاد سوانح و حوادثی نیز می‌شود. بطور مثال، در سال قبل یک سنگنورد جوان به نام علیرضا دلالیان به دلیل استهلاک بیش از حد طناب و پاره شدن آن در حین صعود از یک دیواره جان خود را از دست داد.

● معمولاً در روز چند ساعت را صرف تمرينات و نرمی‌های بدنه و سنگنوردی

- نظر لطف، شماست. من تمرينات سنگنوردی را از سال ۱۳۷۰ شروع کرده‌ام. یعنی حدود یک‌سال و اندی است که به این کار پرداخته‌ام.

● مشوق تو در این کار چه کسی بوده است؟

- برادر و دوستان برادرم، اما، بخصوص برادرم آقای مسعود خرمودی مشوق و راهنمای من برای کشیده شدن به این رشته ورزشی و درگیری با تمرينات منظم بوده است.

● انگیزه تو برای پرداختن به سنگنوردی چه بوده است؟

- ماجراجویی و علاقه به ارتفاع و بالارفتن از موانعی که ظاهراً آسان نیست و احتیاج به کسب مهارت و آموخته دارد و یا حداقل نشانه‌ای از چابکی، مهارت و قدرت تصمیم و اراده انسان در آن نهفته است. علاوه بر اینها، من همیشه شنیده بودم که کوهنوردی منشاء ایجاد اخلاقیات بر جسته است. این کار باستی در ۶ روز انجام گیرد که سه در آدمها می‌شود و در آنها روحیه همکاری و همبستگی را به وجود آورده و تقویت می‌کند.

روز آن مربوط به تمرينات کششی و کار با وزنه

سال آینده، سال جوانان است



(گزارشی دو همین گرد همایی هیأت ها و گروههای کوهنوردی استان قهران)

دومین گرد همایی رؤسای هیأت های تابعه و مسئولین گروههای کوهنوردی استان تهران در روز هشتم بهمن ماه ۱۴۰۱ در سالن اجتماعات اداره کل تربیت بدنی استان تهران گشایش یافت. هیأت های شرکت کننده در این گرد همایی عبارت بودند از: هیأت استان تهران، هیأت بانوان و هیأت طلاقان، همچنین، گروههای: دماوند، فلزکار و مکابیک، کیهان، هما، همت شمیران، پیام، تهران، آرش، ارج، جهاد سازندگی، خانه کوهنوردان، شرکت ملی گاز ایران، شقایق کرج، علم و صنعت و کاوش یعنی جمیع ۱۵ گروه در این گرد همایی شرکت داشتند. گرد همایی با سخنرانی مسئولین هیأت استان تهران آغاز به کار کرد و سپس زمانی را به شنیدن نظرات نمایندگان گروهها گذراند. گرد همایی، در پایان، با صدور قطعنامه ای به کار خود پایان داد. در زیر، گزارش این گرد همایی را می خوانید.

- تشكیل جنبات آنها و خود ندارد.
- توسعه مدادن ورزش کوهنوردنی در میان کارگران از طریق وزارت کار
- عدم تشكیل شورای کوهنوردنی
- عدم برگزاری نمایشگاههای گوناگون به مناسبات مختلف در ایام سال.
- در حاشیه گرد همایی
- * مطلبی که همه حضار را متاثر کرد، خبری بود که آقای آذرپیر نماینده گروه کیهان، در مورد فوت یک کوهنور در برنامه آمادگی زمستانی داد. وی گفت مانند دانستیم باید یک فرد مسن را به کوه ببریم یا نه؟ جهت یادآوری این دوست و الباقی همنوردان، توصیه می‌کنیم مقاومه فشار خون را در اوج شماره ۸ بخوانند.
- * مسئله‌ای که امسال نیز مطرح شد، داستان غم انگیز بیمه پزشکی قبلی و پولهای آن و دیگر قضايا بود که ...
- * از خبرهای جالب دیگر خبر تهیه بليت هواییما با تخفیف بود که توسط نماینده گروه هما عنوان شد.
- * یکی از انتقاداتی که برخی گروههای هیأت وارد می‌کردند بنظری خود هیأت بود که اغلب دیرتر از موقع مقرر باز می‌شود.
- * یکی از تفاوت‌های این سمینار با سمینار پارسال شرکت گروههای بیشتری بود. مثلاً سال قبل هفت گروه به سمینار آمده بودند، ولی امسال ۱۸ گروه.
- * گروه دماوند گفت: رسم مراحمی که بین گروههای کوهنوردنی معمول شده است، رسم اعلام وصول برنامه‌هاو نامه‌ها می‌باشد. این رسم موجب می‌شود که وقت زیادی از گروهها صرف تنظیم و ارسال این اعلام وصولهای شود.
- * امسال هم برای لحظاتی جلسه هیجان انگیز شد! نماینده خانه کوهنوردان اساسنامه و آئین نامه هیأت را طلب کرد؛ ندادند که جر و بحث درگرفت. سر آخر، آقای فریبرز نازدآکی رئیس گرد همایی که جلسه را به خوبی اداره کرد، قول داد که اساسنامه و آئین نامه هیأت را برای همه گروههای شرکت‌کننده در گرد همایی بفرستد.

- این نشریه مطابق آموزشی و خوب بسیار دارد و این طبقی سنت که می‌توان بوسیله آن آموزش را عمومی تر کرد.
- سپس آقای کریم بنامولایی دیفراسیون کوهنوردنی به ایجاد سخنانی پرداخت و ضمن عذرخواهی از عدم حضور مهندس فیاض رئیس فدراسیون در این گردهمایی برنامه‌های آینده فدراسیون را بیان کرد. وی، دعوت از مریبان اتریش در سال ۷۲، شرکت در مسابقات سنگنوردنی آسیائی و رفع مشکلات تشکیلاتی هیئت‌های استانها را از طریق انجام انتخابات، بخشی از برنامه‌های سال ۷۲ فدراسیون بر شمرد.
- پس از پایان سخنان آقای بنامولایی، نماینده‌گان گروهها مسائل، مشکلات و پیشنهادهای خود را عنوان کردند. بر پایه این نظرات قطعنامه‌ای تنظیم شد که در پایان این گزارش خواهد خواند.
- کمودهایی که نماینده‌گان گروهها بر شمردند، به اختصار عبارت است از:

 - بیمه نبودن ورزشی کوهنوردان
 - ضعف آموزش کمکهای اولیه
 - کمبود و گرانی تجهیزات کوهنوردنی
 - عدم انجام انتخابات در کمیته‌های هیأت‌ها
 - عدم استفاده از گروهها در مسئولیت‌های مختلف هیأت‌ها
 - نداشتن یک نشریه دائم کوهنوردنی توسط هیأت با همکاری گروهها
 - تقویت نکردن فعالیت کوهنوردان با ایوان پیش صفر ریال! بودجه داشت. ولی امسال جزو هیئت‌های هفتم یا هشتم از نظر بودجه است و حتماً می‌دانید که تخصیص بودجه به میزان برنامه‌های ارائه شده و کار هیأتها بستگی دارد.
 - گرانی و سایل کوهنوردنی (با تأیین یک سازمان تعاوی می‌توان بر این مشکل غلبه کرد)
 - نداشتن آرشیو فیلم، مجلات و کتب پناهگاهها در مناطق مختلف
 - کیفیت پائین کلاسهای کارآموزی
 - گرانی و سایل کوهنوردنی (با تأیین یک سازمان تعاوی می‌توان بر این مشکل غلبه کرد)
 - نبودن برنامه تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف کوهنوردنی (پزشکی، تکنیک تهیه و سایل,...) توسط دانشگاههای کشور با همکاری گروههای دانشجویی
 - سستی ارتباط میان گروهها و هیأت (بطور مثال لیست جامعی از گروهها و ساعت

گردهمایی با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز گردید. پس از آن آقای محسن صفائی رئیس هیأت کوهنوردنی استان تهران ضمن خوش آمدگویی به حضار، بیلان کارکمیه‌های مختلف را ارائه داد. وی، در ادامه سخنانش به مسئله آموزش کوهنوردنی اشاره کرد و گفت: آموزش در ورزش ما بسیار مهم است، زیرا نتیجه آن انتقال تجربه از گذشته به حال و در نتیجه به آینده است. در سال ۷۱ هیأت موفق شد طرح درس تئوری کلاسهای کارآموزی را تدوین و آرشیو نشانه‌ها و گزارش برنامه‌ها را تهیه کند که در اختیار متقاضیان قرار خواهد گرفت.

صفایی بزرگترین مشکل کمیته بانوان را، مشکل قانونی ذکر کرد و اظهار داشت این موانع قانونی است که از فعالیت‌های گسترده این کمیته جلوگیری می‌کند. وی، مشکل دیگر در این کمیته را فقدان تجربه و امکانات لازم ذکر کرد.

آقای صفائی، در پایان سخنانش گفت: وظیفه عمله ما در هیأت پر کردن اوقات فراغت جوانان است. اجرای چند برنامه عمومی نیز این مطلب را به خوبی به ما نشان داد و استقبال نسل جوان را از این برنامه‌ها نمایاند. پس از سخنرانی صفائی، آقای پژنده به پشت تریبون آمد و به بیان سخنانی پرداخت.

وی گفت: هیأت کوهنوردنی در سه سال پیش صفر ریال! بودجه داشت. ولی امسال جزو هیأت‌های هفتم یا هشتم از نظر بودجه است و حتماً می‌دانید که تخصیص بودجه به میزان برنامه‌های ارائه شده و کار هیأتها بستگی دارد. آقای پژنده در ادامه سخنانش به کمبود یک نشریه تخصصی اشاره کرد و وجود آنرا لازم دانست و قول همه گونه همکاری را برابر انتشار یک نشریه کوهنوردنی به هیأت داد. پژنده، در همین رابطه گفت: همین نشریه اوج بسیار نشریه خوبی است و قابلیت‌های فراوانی دارد ولی نمی‌دانم چطور شد که دیگر برای من فرستاده نمی‌شود!

نویسنده: استفن ونیبلس (Stephen Venables)

مترجم: مسعود خرم‌رودی

اورست

جبهه کانگ شونگ (Kang Shung)

۱۰ روز پس از مسافرت به هند در یک میهمانی شام شرکت کردم، این میهمانی را یک کلوب هیمالیایی در دهانی برگزار کرده بود. در آن صیافت صحبت‌هایی راجع به برنامه رد و بدل شد. یکی از این گفته‌ها واقعاً مرا ناراحت کرد و آن گفته‌چاری هوستون فاتح قله K2 بود. او پس از اینکه از هدف ما مطلع شد لبخند تمخرآمیزی زد و گفت: «جبهه کانگ شانگ! ۴ نفر! شما دیوانه‌اید! بروید و کوهی کوچکتر را انتخاب کنید» این گفته او بر من خیلی گران آمد و نزدیک بود موجب برهمنی خوردن روابطمن باشود.

یک تیم بین‌المللی به دست من رسیده بود. هدف این تیم بازگشایی مسیری جدید بر روی این جبهه بود. حامی و مشوق این تیم لود جان هانت بود که نسبت به طرح و نقشه رابرт نظر سیار خوش‌بینانه‌ای داشت. او فردی بود که به کوهنوردی عشق می‌ورزید. کریس بانیگتون نیز در مورد این سفر هشدارهای لازم را گشود کرد و بدهد. درست قبل از مسافرت ما یک کارت پستال از طرف وی به دست من رسید با این جملات که: «امیدوارم روی جبهه کانگ شرنگ کاملاً موفق باشید و در مسیر هیچ بهمنی قرار نگیرید.»

حرج مالوری اولین فرد اروپایی بود که در سال ۱۹۲۱ میلادی جبهه کانگ شونگ اورست را مشاهده کرد. او پس از سالها مطالعه بر روی این جبهه نتیجه کارش را در یک جمله خلاصه کرد: «بطور حتم در آینده افرادی روی این جبهه فعالیت خواهند کرد ولی مسلماً این امر در زمان ما امکان نخواهد یافت.»

شصت سال گذشت تا یک حقوق‌دان امریکایی به نام آسره اولین مسیریابی و شناسایی را روی این جبهه انجام داد. مشوق او برای این کار همان جمله معروف مالوری بود. آندره مسیر بسیار مشکل ولی کم خطر دیواره مرکزی را برابر صعود پیشنهاد کرد. او به دنبال این پیشنهاد در سال ۱۹۸۲ با یک تیم بزرگ به قصد صعود این جبهه به هیمالیا عزیمت کرد

ولی تلاش او ناموفق ماند. علی‌رغم این شکست، در سال ۱۹۸۳ یک تیم دیگر امریکائی به قصد صعود به منطقه عزیمت کرد. آنها دیواره پائین را برای این کار انتخاب کردند. مسیری بسیار متکل را طباب ثابت گذارند. با استفاده از موشکهای مخصوص کابلهای هوایی را برای انتقال یار برقرار کردند و بالاخره برای حمله نهائی آماده شدند. سرانجام پنج کوهنورد با استفاده از اکسیژن به قله رسیدند.

جبهه کانگ شونگ بالاخره صعود شد، ولی هنوز هم صعود این جبهه همان هیبت قدیم خود را دارد و فتح آن برای اشخاص مایه اشتهر می‌شود. همین مورد باعث شد که من چهار سال بعد از اولین صعود این جبهه به فکر صعود آن بیفتم. علت این امر دعوت نامه‌ای بود که از طرف رابرт آندرسن برای شرکت در



فدراسیون

گوش شنوا

نداشت

فعالیت‌های کمیته چه بود؟
وظایف کمیته، طبق آئین نامه مصوبه آن، هدایت کوهروان و گوشزد کردن خطرات کوهستان به آنها، امداد رسانی به افراد درگیر، کمک‌های اولیه به افراد سانحه‌دیده و مجزوح و مصدوم و در موارد منجر به فوت، حمل اجساد به پائین بعد از هماهنگی با زندارمری و صدور مجوز بود، در هر هفته (روزهای جمعه)، طبق جدول زمان‌بندی شده، افراد کشیک به قرارگاهها اعزام می‌شدند. برای کل برنامه یک سرکشیک نیز تعیین می‌شد که

بعد از استعفای دسته جمعی امدادگران کمیته نجات فدراسیون، هیأت کوهرودی استان تهران از برخی امدادگران دعوت کرده بود تا در سالن آموزی تئاتر دفتر مشترک فدراسیون‌ها گردآمده و نشست و گفتگویی درباره تشکیل گروه امداد زیر نظر هیأت داشته باشد. در این جلسه، پس از گله‌گذاری و طرح تاریخی‌های مختلف، آقای سارنگ به مسئولیت گروه امداد هیأت برگزیده شد. آقای صفائی مسئول هیأت قول‌هایی به گروه جدید داد و سارنگ نیز حرف‌هایی زد که جا دارد آنها را در زیر بیاوریم. سارنگ گفت:

- در تمام این سال‌ها ما فقط وعده شنیده‌ایم و از امکانات هیچ خبری نبوده است.

- این را بدانید بجهه‌ها علاقه داشته‌اند که به این جلسه آمده‌اند و بدانید که بجهه‌ها در کوههای شمال تهران خیلی فعالیت کرده‌اند. این بجهه‌ها قادرند طرح و برنامه بدهند، ولی اگر بودجه و امکاناتی بنا شد هیچ کاری نمی‌توان کرد.

- تشکیل گروه امداد از طرف هیأت کاری بسیار خوب است. اما اگر در نمودار سازمانی هیأت مطرح نباشد، تداوم و استمرار نداشته و تابع سلیقه رؤسای هیأت‌ها خواهد بود.

- امدادگران نیز باید برای کارهایی که انجام می‌دهند، بهایی را دریافت کنند. مثل هر جای دیگر. صفائی نیز گفت:

- ما سعی خواهیم کرد گروه امداد را در نمودار سازمانی هیأت رسمیت ببخشیم.

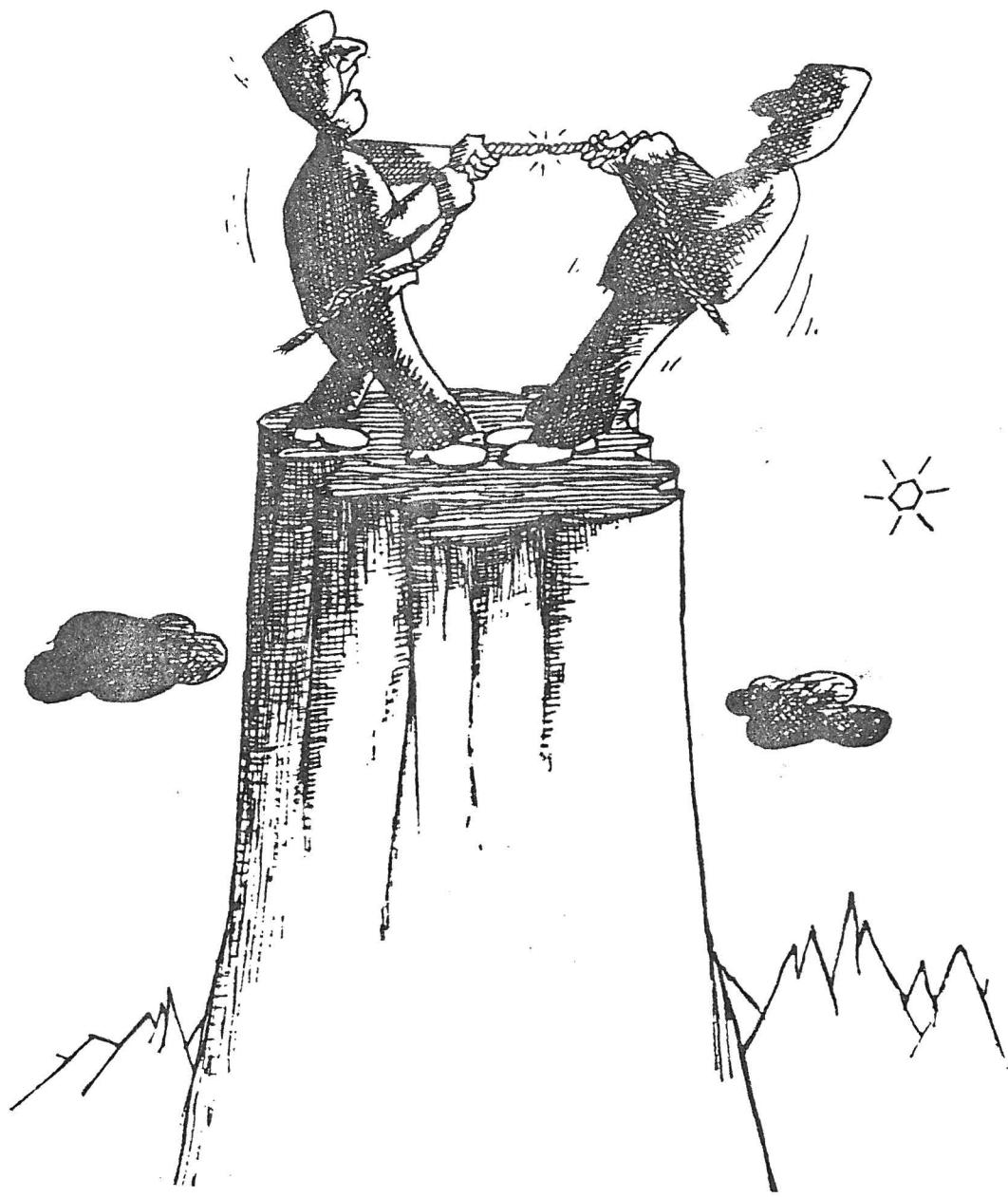
- سعی خواهیم کرد که ابتدا تسهیلات غذا و استفاده از تله‌سی پژ دربند و تله کابین توچال را برای امدادگران فراهم کنیم و کم کم امکانات دیگری را هم فراهم آوریم.

از سوی دیگر، شنیدیم که دو نفر از فعالین کمیته نجات فدراسیون (که در بالا گفته‌یم به دنبال استعفای اعضای آن، منحل شد) یعنی ابراهیم شیخی و جواد عبداللہی، جلسه‌ای در پناهگاه شیرپلا تشکیل داده و در این نشست که تعدادی از امدادگران کمیته نجات سابق در آن شرکت داشته‌اند، به ابتکار و عشق خودشان تصمیم گرفته‌اند که تشکیلات غیر رسمی امداد را دوباره برپا کنند و از شیرپلا تا قله را در یک منطقه وسیع تحت پوشش و حمایت امدادی قرار دهند.

این تکاپو و مشاهداتی که خودمان در سایر کشورها از کارهای امدادی داشتیم و رشد تکنولوژی امداد در سال‌های اخیر استفاده از هلیکوپتر و تجهیزات مدرن در این رشته برای کمک به حادثه دیدگان، ما را بر آن داشت که با یکی از بجهه‌های کمیته نجات سابق (سهدی داورپور) که طرحی برای کارهای امدادی تنظیم کرده و آنرا برای مقامات مختلف از جمله دکتر غفوری فرد، مهندس فیاض و دیگران فرستاده بود، به گفتگو بنشینیم تا هم دلایل استعفای دسته‌جمعی اعضاي کمیته نجات را از زبان یک آدم بی‌غرض بشنویم و همه با طرح وی آشنا شویم تا انشاء... از آن خیر و برکتی برخیزد و باعث شود که از این به بعد جان کسی در کوه به مخاطره نیفتد و حادثه‌ای مانند حادثه گروه کیهان در دارآباد به علت ضعف کمک‌های امدادی پیش نیاید.

کمیته نجات فدراسیون از چه سالی تأسیس شد؟

کمیته نجات، در سال ۶۶ به همت مرحوم داؤدی و استاد عزیزالله خلیج تشکیل شد. اولین گروه منتشر از مردمی‌ها و استادان کوهرودی بود. اما، آن مرحوم و استاد خلیج برای بسط و توسعه این کار، گروهی از کوهرودان را تحت آموزش قرار دادند و دومین گروه در سال ۶۷ در پلنگ‌چال، ایستگاه ولنجک و اوسوون از این عده تشکیل شد. من هم جزو این عده بودم. البته، محدوده کار این کمیته کوههای جدیدی در سربند (جنوب ساختمان تله‌سی پژ) اطراف تهران بود. کمیته، دارای ایستگاه‌ها و همچنین در کلکچال و دارآباد تأسیس شد. قرارگاه‌هایی در نقاط مختلف بود. مثلاً، تعداد اعضا کمیته نجات چند نفر بود و



انتخاب می شد.

چرا همه به طور دسته جمعی استعضا دادید؟ کمیته نجات، هیچ امکاناتی نداشت. ما مجبور بودیم از وسائل فنی، پوتین و آناراک خودمان استفاده کرده و آنها را مستهلک کیم. البته، اینکار عیبی نداشت. چون عشق در کار بود. اما مسئله اصلی این بود که بسیاری از

مختصری راجع به تشکیلات کمیته بگویند.

رئیس کمیته به پیشنهاد دبیر فدراسیون از طرف رئیس فدراسیون منصوب می شد. بقیه اعضای هیأت رئیسه، به انتخاب رئیس برگزیده و به مسئولیت های مختلف در کمیته منصوب می شدند. در ضمن، یکی از اعضای هیأت رئیسه از طریق انتخابات به وسیله اعضاء

وظیفه حضور و غیاب افراد و هماهنگی های عمومی به عهده وی بود. تعداد اعضای کمیته در ابتدا زیاد بود و از ۱۵۰ تا ۱۶۰ داوطلب تشکیل شده بود. این عدد، حداقل مرتبی درجه سه بودند و در میان آنها افرادی نیز وجود داشتند که دوره های بالاتری را گذرانیده بودند.

کشوری برای امدادرسانی به گروههای امدادی هیأت‌ها بهره جوید. البته این کار با تأسیس یک شورای امداد در جنب کمیته نجات فدراسیون میسر است. به این ترتیب که از نمایندگان سازمان‌های مختلف مثل وزارت کشور، وزارت درمان و آموزش پرشرکی، وزارت سپاه پاسداران، وزارت راه و ترابری، سازمان هواشناسی، سازمان خدمات هلیکوپتری کشوری، سازمان هلال احمر و دیگر ارگان‌های لازم برای عضویت در این شورا دعوت کنیم و از طریق تشکیل جلسات منظم ماهانه امکانات و ترتیبات لازم برای کارهای امدادرسانی از طریق این سازمان‌ها جلب و جذب کرده و بین گروههای امدادی هیأت‌های کوهنوردی استان‌ها توزیع کنیم. این فعلاً یک طرح مقدماتی است که باید روی آن کار شود. من این طرح را به رئیس محترم ترتیب بدنی کشور جناب آقای غفوری فرد و همچنین رئیس فدراسیون کوهنوردی هم ارائه داده‌ام و ذکر می‌کنم از طریق جلب مساعدت‌ها و امکانات، طرح‌ریزی درست و توزیع کارهای اجرائی در رده‌های پائین تراست که کار امداد و نجات در کشور ما می‌تواند سامان یابد. نیرو هست، عشق و علاوه و تجربه هست. اما سازماندهی نیست.

به هر صورت، از طریق نوشتن امیدواریم نظر مسئولین را به پیشنهادهای شما جلب نمانیم.

در ضمن، من فکر می‌کنم تشکیلات اجرائی امداد که قرار است در سطح هیأت‌ها تشکیل شود، باید داوطلبانه باشد. یعنی هیأت‌ها باید گروههای کوهنوردان موجود در محدوده جغرافیائی خود را وادار کنند که تعدادی از کوهنوردان ورزیده خود را برای فعالیت در برنامه‌های امدادی هفتگی و آموزش‌های لازم به آنها معرفی کنند و اینکار به صورت یک اجار و تکلیف اداری دریابید. حتی می‌توان دادن گواهی‌نامه کلاسها مربی‌گری درجه سه را نیز منوط و به فعالیت آن کوهنورد در تشکیلات امداد استان در طول ۲ سال کرد. آقای داورپور، با تشکر از شما به امید داشتن یک تشکیلات امدادرسانی قوی در کشورمان مصاحبه را به پایان می‌بریم. خدا نگهدار.

فراییر جدا و به هیأت‌ها سپرده می‌گردید که چنین هم شد. ما (نشریه اوج) هم با اینکار موافق هستیم و فکر می‌کنیم سیاست درستی باشد. منتهی عیب کار اینجاست که اولاً کمیته روابط عمومی فدراسیون بچه‌هارا جمع نکرده و تغییر سیاست را برای آنها توضیح نداده و یک جور اهمام و سردرگمی بوجود آمده است و ثانیاً، هیأت‌ها در سطح کشور بطور فعل و جدی به تأسیس گروههای امداد نپرداخته‌اند.

همه این مسائل درست. تغییر سیاست و برنامه کار را ما هم می‌پذیریم. این واقعاً درست است که گروههای امداد باید در سطح تمام مناصق کوهنوردی کشور تشکیل شود و فقط اختصاص به تهران نداشته باشد و این هم فقط وقتی ممکن است که مسئولیت این کار به خود هیأت‌ها سپرده شود. اما سأله اینجاست که فدراسیون هم نمی‌تواند به کلی از رهبری و هنآنگی این کار غافل بماند و وظیفه‌ای در این جهت را به عهده نگیرد. در حال حاضر، فدراسیون دارای هیچ مسئولیت مشخصی در این راستا نیست.

شنیده‌ایم که شما در این زمینه طرح و اندیشه‌ای دارید. آیا اینطور است؟

راستش من فکر می‌کنم آگر وظایف

فدراسیون را به همان وظایف سنا دی یعنی طرح و برنامه‌ریزی و همآهنگی یعنی مدیریت کلی هم محدود بدانیم و از فدراسیون درگیر شدن با کارهای اجرائی را نظر نداشته باشیم، باز هم فدراسیون باید دارای یک کمیته نجات درون تشکیلات خودش باشد. منتهی، این کمیته نجات دیگر به جمع آوری نیرو و اعزام آنها به قرارگاه‌ها و تنظیم برنامه‌های کشیک نمی‌پردازد. بلکه این کمیته وظیفه دارد که مثلاً برنامه‌های آموزشی مورد نیاز امدادگران را بررسی کرده و به کمیته فنی فدراسیون جهت اجراء پیشنهاد کند. این کمیته می‌تواند برنامه‌های آموزش امدادی را برای پخش در رسانه‌های گروهی تنظیم کرده و به اجراء بگذارد. این کمیته، مسئولیت تخصیص بودجه به هیأت‌ها را در زمینه کارهای امدادی برای تهیه تجهیزات به عهده دارد. این کمیته می‌تواند از امکانات سازمان‌های مختلف به وجود یابد. ممکن است این کمیته بسیاری از همکاران این کمیته نجات، یا تعزیزی پیروز باشد. بسیاری مهندس فیاض از همان ابتدا که سرکار آمدۀ گفته بود که فدراسیون نباید به کارهای اجرائی پردازد. بلکه فدراسیون یک میلیون تومان خرج کرده است. بنابراین، کمک مالی به بچه‌های کمیته نجات و تهیه تجهیزات برای آنها نمی‌تواند مسئله بوده باشد. بر عکس من فکر می‌کنم عدم پشتیبانی فدراسیون از کمیته نجات، به تغییر سیاست‌ها و برنامه‌های آن مربوط باشد. بسیاری مهندس فیاض از همان ابتدا که سرکار آمدۀ گفته بود که فدراسیون نباید به کارهای اجرائی پردازد. بلکه فدراسیون یک سازمان ستادی است و باید طرح و برنامه ارائه بدهد، هدایت کند، همآهنگی بوجود یابورد. کمیته نجات، یا تعزیزی که شما از آن کردید یک سازمان اجرائی بود. بخصوص اینکه منطقه عملش هم فقط محدود به کوههای اطراف تهران بود. بنابراین، منطقاً باید این وظیفه از فدراسیون به عنوان یک سازمان

السمت

زاویه‌ای است که امتدادها با یکی از شمالها (در اینجا شمال مغناطیسی) می‌سازد. این زاویه را در جهت گرددش عقربه‌های ساعت اندازه می‌گیرند. برای مثال آزمیوت 225° یعنی امتداد حرکت ما نسبت به امتداد قطب شمال مغناطیسی زاویه 225° درجه دارد.

شرح قطب‌نمای آینه‌دار:

قطب‌نمای آینه‌دار از قسمتهای زیر تشکیل

شده است:

- ۱- صفحه مدرج
- ۲- عقربه مغناطیسی
- ۳- تیغه شیئی (مگسک)
- ۴- شیار چشمی
- ۵- آینه
- ۶- خط کش
- ۷- درپوش
- ۸- بدنه

استفاده از قطب‌نمای برای اندازه‌گیری آزمیوت:

۱- قطب‌نمای را به حالت افقی نگه می‌داریم.

۲- درب جعبه را حدود 45° درجه باز می‌کنیم، بطوری که بتوانیم صفحه مدرج و عقربه مغناطیسی را در آینه بینیم.

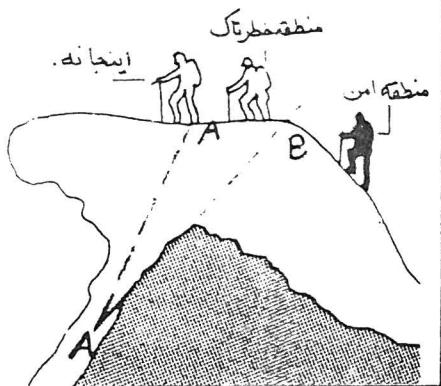
۳- شیار چشمی را بر تیغه نشانه روی منطبق نموده به سمت هدف معین نشانه روی می‌کنیم و در حلقه از دروزن آینه به صفحه مدرج و عقربه مغناطیسی نگاه می‌کنیم، قاب دندانه‌دار را که صفحه مدرج روی آن نصب گردیده است به کمک دست چپ آنقدر می‌گردانیم تا حرف N از صفحه مدرج در مقابل نوک شمال عقربه مغناطیسی قرار گیرد.

۴- یکبار دیگر این عمل را چک می‌کنیم تا از صحبت عمل مطمئن شویم. توجه داشته باشید که هر درجه اشتباه در خواندن قطب‌نمای از هر کیلومتر 168 متر موجب انحراف از مسیر می‌شود.

۵- قطب‌نمای را پایین آورده و عددی از صفحه مدرج را که در برابر تیغه شیئی قرار گرفته است می‌خوانیم. عدد مذبور آزمیوت مغناطیسی امتداد میان استگاه، و نقطه‌ای را که به سمت آن نشانه روی کرده‌ایم، نشان

مسیریابی

فرهاد شیخانی



نقشه خوانی:

طبعی جلوه‌گر می‌شوند و به نظر دورتر

مسیریابی مهارتی است که هر فردی که با رساند. طبیعت سر و کار دارد باید از آن مطلع باشد. اما اینها زمانی به کار می‌آید که چشمان ما قادر به دیدن باشد. اگر پیش‌بینی کنیم که وضعیت هوا ناپایدار است و یا بزودی شب می‌شود، باید فواً از ایزار دیگری استفاده کنید. یا موزد.

غفلت از آموختن فنون مسیریابی یعنی به خطر اندختن جان خود و همراهان - مهمتری ایزار خداداد در مسیریابی چشم می‌باشد و در مراحل بالاتر استفاده از حس شنوایی، لامسه، بویایی و حتی چشایی ضرورت می‌یابد (ملحان در قدم از روی طعم آب دریا فاصله خود تا خشکی را حدس می‌زده‌اند). انسان طی تجربه آموخته است که با مشاهده طبیعت راه از دست دادید باید از قطب‌نمای استفاده کنید.

سرانجام اگر پی بردید که در کوه گم شده‌اید:

۱- خونسردی خود را حفظ کنید.
۲- با دقت نقشه را مطالعه کرده و موقعیت خود را ارزیابی کنید.

۳- اجازه ندهید کسی از گروه جدا شود.
۴- اگر راه را نیافرید بهتر است به نقطه‌ای بازگردید که برای شما آشنا بوده است و از آنجا کوهنوردی را ادامه دهید.

قطب‌نمای: قطب‌نمایها بسته به کاربردشان بسیار متنوع هستند. در کوهنوردی انواع سیلوا و رکتاکاربرد فراوان دارد. ولی ما در اینجا نوع آینه‌دار را که کار با آن ساده‌تر است شرح می‌دهیم.

قبل از هر چیز بهتر است با تعریف آزمیوت آشنا شویم: آزمیوت (به فارسی: گرای و به عربی: وهم آلد، اشیاء و اجسام بزرگتر از اندازه

نقشه معلوم است به دست می آوریم، این روش زمانی بکار می رود که نقطه مورد نظر که محل آن، روی نقشه معلوم نیست غیر قابل دسترسی باشد و بالعکس نقاط دیگر در روی نقشه معلوم و دسترسی به آنها به سهولت امکان پذیر باشد (مثل تلاقی دو جاده، یا محل برخورد یک راه و یک رودخانه) استفاده از نقشه و قطب‌نما به طریق زیر انجام می‌گیرد:

به یکی از نقاط معلوم که محل آنها روی نقشه مشخص است رفته و نقشه را به کمک قطب‌نما توجیه می‌کنیم (متلاً Z تقاطع دو جاده است)

۲- آزمیوت مغناطیسی Zx را با قطب‌نما تعیین می‌کنیم («نقطه غیر قابل دسترسی است») سپس آزمیوت را به شبکه نقشه منتقل می‌کنیم (به کمک نقاله امتداد Zx رسم می‌شود)

۳- این عمل را درو مرتبه دیگر در دو نقطه معلوم و قابل دسترسی دیگر انجام می‌دهیم و توسط نقاله امتداد آنها را رسم می‌کنیم.

۴- از برخورد سه امتداد یک مثلث بدست می‌آید که محل X را روی نقشه به ما نشان می‌دهد. هرچه مثلث کوچکتر باشد کار دقیق‌تر است.

استفاده از شبکه نقشه: شبکه‌ها عبارتند از خطوطی که فواصل مشخص داشته و با توجه به مقیاس نقشه مشخص می‌شوند. شبکه‌ها به دو دسته عرض جغرافیایی و طول جغرافیایی تقسیم می‌شوند. خطوط عمودی (عرض جغرافیایی) رو به شمال هستند. با استفاده از شبکه نقشه می‌توان برای هر نقطه یک شماره قائل شد که از نظر ما و نقشه تعریف شده است. خطوط عمودی چون به سمت شرق شماره گذاری شده‌اند خطوط شرقی نامیده می‌شوند و همیشه اول نوشته می‌شوند. خطوط افقی که به سمت شمال شماره گذاری شده‌اند خطوط شمالی نامیده می‌شوند. و پس از شماره شرقی آورده می‌شوند. هر ضلع مربع یک کیلومتر است. پس می‌توان آنرا به مربعهایی با اضلاع صد متری تقسیم نمود. در نتیجه هر مربع کوچک به یک منطقه 100×100 دلالت دارد و نه به یک نقطه.

نقشه‌برداری با مقیاس $1/25000$ تهیه شده‌اند که اغلب نایابند.

یک کوهنورد با سلیقه از نقشه خود بخوبی نگهداری می‌کند. آنرا با نایلون یا سلیفون می‌پوشاند و از یک کسیه پلاستیکی برای نگهداری آن استفاده می‌کند. نقشه را طوری جمع کنید که بتوانید با بازکردن هر لایه یک قسمت از آنرا بینید.

نقشه‌ها انواع مختلف دارد:

۱- پلانی متری: سطح عوارض مدنظر است.

۲- توپوگرافی: علاوه بر سطح، ارتفاع عوارض را در نظر دارد.

۳- بر جسته پلاستیکی: همان نقشه‌های توپوگرافی هستند که توسط دستگاه مخصوص بر جسته شده‌اند.

۴- نقشه‌های عکسی

۵- نقشه شهرها

۶- نقشه‌های ویژه (زمین‌شناسی، هواشناسی,...)

کوهنوردان بطور عمده با نقشه‌های توپوگرافی سر و کار دارند که توضیحات آن خود مجال دیگری می‌طلبند.

توجه نقشه با استفاده او قطب‌نمایی

مراحل متوالی زیر انجام می‌شود:

۱- نقشه را در وضعیت افقی قرار می‌دهیم.
۲- در قطب‌نما را کاملاً باز کرده و N را در مقابل تیغه شیئی و S را در مقابل تیغه چشمی قرار می‌دهیم.

۳- قطب‌نما را طوری روی نقشه می‌گذاریم که تیغه شیئی به طرف بالای نقشه (شمال نقشه) واقع شود و به خطکش آن بر

یکی از محورهای شمالی نقشه منطبق گردد.

۴- نقشه و قطب‌نما را توأمًا می‌چرخانیم تا نوک شمالی عقربه درست در مقابل حرف N صفحه مدرج قرار گیرد.

۵- مطمئن شویم که از شمال مغناطیسی نقشه استفاده کرده‌ایم و گرنه باید نقشه را کمی بیشتر بچرخانیم.

تعیین موقعیت با استفاده از طریقه تقاطع:

در این روش موقعیت نقطه‌ای را به کمک دو یا سه نقطه دیگر که موقعیت آنها روی

می‌دهد.

۶- آنکه به عدد مربوط 180 درجه یا فرائیم ادر صورتی که آزمیوت قرائت شده کمتر از 180 درجه باشد) و یا از آن 180 درجه بکاهیم (در صورتی که آزمیوت قرائت شده بیشتر از 180 باشد). آزمیوت معکوس امتداد میان ایستگاه، و نقطه مورد نظر به دست خواهد آمد.

سرانجام تأکید می‌کنیم که حتماً اعمال بالا را عملاً در کوهستان تکرار نمایید تا در شرایط دشوار بدون فوت وقت بتوانید راه خود را بیابید.

نقشه: تصویر افقی عوارض پوسته زمین (عوارض زمین به دو دسته طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌شوند) روی موادی مثل کاغذ، پارچه، مقوای پلاستیک با مقیاس معین (Scale)

نقشه نام دارد. قبل از هر چیز یادآور می‌شویم که کیفیت نقشه در برابر داشش استفاده کننده در درجه دوم اهمیت قرار دارد و به عبارت دیگر بهترین و عالی‌ترین نقشه‌ها در برابر فقدان آگاهی و ناآشنای استفاده کننده از هر گونه ارزشی عاری است. مقیاس (Scala)، نسبت بین یک واحد طول (سانتی‌متر، اینچ,...) روی نقشه به مسافت معادل آن روی زمین می‌باشد. برای مثال، مقیاس $1/25000$ یعنی یک سانتی‌متر روی نقشه برابر با 25000 سانتی‌متر (یا 250 متر) روی زمین است.

انواع مقیاس عبارت است از:

۱- کسری $1/50000$

۲- خطی

۳- حرفي: هر یک سانتی‌متر روی این نقشه برابر با 500 متر بر روی زمین است.

تقسیم‌بندی نقشه‌ها با توجه به مقیاس را می‌توان به شرح زیر دانست:

$1/100000$: مناسب برای جهت‌یابی.

$1/25000$: مناسب برای پاده‌روی (برای یک منطقه مثل مسیر تهران - علمده چند نقشه لازم است).

$1/1000000$: در مقیاس کشوری کاربرد دارد.

در ایران نقشه‌های سازمان جغرافیایی ارشن با مقیاس $1/50000$ و سازمان

با گروه‌های کوهنوردی آشنا شویم

بالای چهار هزار متر در ایران و اجرای برنامی آید. در ۹ ماهه سال ۷۱، گروه هما به برنامه‌های فنی در قله مون بلان فرانسه و قله‌های دماوند، سبلان، اشترانکوه، خلنو، آزادکوه و چند قله دیگر صعود می‌کند. شاکوشی کونکه راپن.

در همین دوره، هما ساخت پناهگاه همچنین از شرکت در کلاس‌های فنی و اشترانکوه (چشمۀ گل‌گل) را نیز در کارنامه غارنوردی نیز درنمی‌ماند. گروه هما، هم‌اکنون چهل عضو دارد و در فعالیت‌های خود ثبت می‌کند.

از سال ۱۳۶۰ به بعد، گروه هما چادر جلساتی که در روزهای دوستبه هر هفته از خاموشی را به سر می‌کشد. گوئی که به خواب ساعت ۴ بعداز ظهر در مراکز رفته است. تا اینکه این خواب در سال ۷۱ به فرهنگی-ورزشی هما (تزوییک فرودگاه پایان می‌رسد و دوباره در سال جاری، هما به پا مهرآباد، ادارات مرکزی هوایپمایی حمپوری می‌خیزد و برتوان و پرشتاب با کوله‌باری از اسلامی ایران) برگزار می‌کند. آماده پذیرایی تجربه در پی جبران غفلت گذشته خود و خواسته‌گویی به همه همسوران می‌باشد.

گروه کوهنوردی هما

گروه کوهنوردی هما، همچنانکه از اسمش پیداست، وابسته به هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این گروه، در سال ۱۳۴۸ با صعود به قله دماوند موجودیت خود را اعلام کرد و بنابراین گروهی است دیرپا و قدیمی که حدود یک چهارم قرن از تشکیل آن می‌گذرد. گروه، طی این مدت دارای افت و خیزهایی بوده است. اوج فعالیت گروه به سال‌های ۵۲ تا ۶۰ برمی‌گردد. هما، در این مدت فعالیت‌های پر ثمری را ارائه می‌دهد که از آن جمله است: صعود به غالب قله‌های

صد قله بالای ۴ هزار متر در منطقه علم کوه!

چهار نفر کوهنوردان عضوتیم به پائین برنگشته و اجاد آنها نیز پیدا نشده است. گویی که به ابدیت و جاودانیت همایای پیوسته‌اند.

کریس بانینگتون، خود به درخواست ناشر ایرانی، مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته است که متن انگلیسی و ترجمه فارسی آن در ابتدای کتاب آورده شده است. کتاب، دارای ۲۰ صفحه عکس رنگی است که بوسیله اسکنر و کامپیوتر تهیه شده و در ۱۰۰ صفحه آخر آن مطالبی درباره استفاده از کپسول اکسیژن، باربری در ارتفاعات، وسایل فنی مورد نیاز در ارتفاعات، تدارکات در منطقه و مطالب دیگر دارد که راهنمای سودمندی برای کوهران حرفه‌ای است. کتاب، به روح پرفتح مرحوم محمد داوودی تقدیم شده است. انتظار می‌رود که کتاب در اردیبهشت ماه سال ۷۲ به بازار کتاب عرضه شود.

در گفت و گوییمان با اشرفی، دوباره به همان منطقه علم کوه گریز می‌زنیم و از او می‌پرسیم که نقشه شماتیک علم کوه را چگونه تهیه کرده‌اند. وی توضیح می‌دهد که در تهیه

صعود و دیگر مختصات قله‌ها و منطقه را معرفی می‌کند. این نقشه در چهاررنگ بوده و ابعاد آن ۱۰۰۰×۷۰۰ می‌باشد.

از مسعود اشرفی، درباره ترجمه کتاب اورست، مسیر دشوار، می‌پرسیم و می‌گوئیم: شیده‌ایم که سازمان شما دست به ترجمه و انتشار این کتاب زده است. آقای اشرفی توضیح می‌دهد که این کتاب در ۴۶۰ صفحه بوده و به وسیله آقای جمشید هدایت‌نسب مترجم کتاب دیگری به عنوان «اورست» ترجمه شده و در حال چاپ می‌باشد. وی در ادامه سخناش می‌گوید: موضوع کتاب درباره جبهه جنوب غربی اورست است که نخستین بار در سال ۱۹۷۵ به وسیله یک تیم انگلیسی به سرپرستی کریس بانینگتون صعود شده و این کتاب به قلم خود بانینگتون نیز نوشته شده است. کتاب، حاوی داستان دلهز آور صعود و تلاش‌های تیم می‌باشد و در قالب یک ساریو و داستان به نگارش درآمده است.

جبهه جنوب غربی اورست، برای بار دوم توسط یک تیم چهار نفره چک و اسلواکی با تکنیک آلپی نیز صعود شده، اما هیچیک از

ماتابه حال می‌پنداشتم که در منطقه علم کوه فقط ۱۷ قله بالاتر از چهار هزار متر وجود دارد. اما، مسعود اشرفی می‌گوید که در این منطقه خاص و استثنایی ایران، یکصد قله وجود دارند که ارتفاع آنها بیش از چهار هزار متر است. مسعود

اشرفی و چهار نفر دیگر از کوهنوردان باسابقه در نیمه دوم سال ۷۰، دست به تأسیس یک سازمان کوهنوردی به نام «شرکت ایران کوه رو» زده‌اند. این چهار نفر عبارتند از: رضا چهکنوبی، دکتر حسن صالحی مقدم، قاسم فرعی و علی مقیم.

پای صحبت مسعود اشرفی نشسته‌ایم و او برایمان از فعالیتهای شرکت، برنامه‌ها و اهداف آن می‌گوید. توجه ما به خصوصی به گفته مسعود درباره علم کوه جلب شده است. وی می‌گوید، ما کوهنوردان تا به حال از علم کوه میدان محدودی را نظره و صعود کرده‌ایم: در حالیکه، علم کوه میدان و منطقه وسیعی است که ویژگیهای خود را دارد. به طور معمول، کوهنوردان، کمتر در اطراف «خرسان» یا «هفت خوان» و جاهای دیگر تکاپو و کند و کاو کرده‌اند. ما، اخیراً دست به تهیه نقشه شماتیک منطقه علم کوه زده‌ایم که مسیرهای

کلام مسعود را قطع می‌کنم و از وی درباره انگیزه او و همکارانش درباره چاپ پوستر می‌پرسم. وی می‌گوید: هدف ما از این کار معروفی جاذبه‌های طبیعی و تاریخی ایران است و از این رو، پوسترهای خود را به زبان انگلیسی نیز چاپ کرده و به خارج کشور فرستاده‌ایم و هم مورد تشویق قرار گرفته و هم تاکنون سه تیم ایتالیائی، آلمانی و انگلیسی به ایران آمده‌اند که آنها را به منطقه دماوند بردند. البته، قصد داریم نقاط دیدنی طبیعی جهان را به هموطنان نیز معرفی بکنیم که در این رابطه تاکنون کارت پستالهایی را به چاپ رسانده‌ایم. وی، در اینجا، کارت پستال زیبایی از نانگاپارت را ارائه می‌دهد که روی آن به خط جلی نوشته شده: «سال نو مبارک». کارت پستال را می‌گیریم تا در «اوج» به چاپ برسانیم.

از مسعود می‌پرسیم فعالیت سوم شما چیست؟ می‌گوید همان دیدارها و تورهای توریستی به مناطق طبیعی ایران و یا جاذبه‌های فرهنگی کشور که قبلاً توضیح دادم. برای آقای اشرفی و همکارانش، موفقیت آرزو می‌کنیم و دستشان را می‌شاریم و خدا نگهدار می‌گوئیم.

میلی‌متری تا چند ماه قبل در فروشگاهها به قیمت متري ۶۰۰ تومان عرضه می‌شد، ولی، توانسته‌ایم قیمت را به سطح ۳۹۰ تومان رسانده و حدود ۳۵ درصد پائین بیاوریم. در راستای قیمت‌شکنی، از فروشگاهها و نمایندگان فروش خود خواسته‌ایم که لیست

این نقشه، ما از عکسهای هوایی موجود، نقشه‌های توپوگرافی سازمان جغرافیایی ارتش و سازمان نقشه‌برداری کشور، میزانهای منحنی وغیره، استفاده کرده و در چهارچوب این منابع، نقشه شماتیکی ارتفاعات را تهیه کرده‌ایم.

بحث و گپ‌زدن را با مسعود باز می‌کنیم و از وی می‌خواهیم که درباره هدفها و برنامه‌های شرکت ایران‌کوهرو توضیح بدهد. آقای اشرفی می‌گوید:

شرکت ایران‌کوهرو در سه زمینه فعالیت دارد:

- انتشارات از قبیل چاپ پوستر، نقشه‌های راهنمای کتاب و تهیه فیلم. در این راستا، ما تا کنون پوسترهای دماوند و علم کوه را چاپ کرده و نقشه البرز مرکزی را نیز تهیه کرده‌ایم. و همانطور که در پیش گفتم نقشه شماتیک علم کوه و کتاب «اورست، مسیر دشوار» را نیز زیر چاپ داریم.

- واردات وسایل کوهنوردی و اسکی. همچنانکه می‌دانیم تاکنون در این رشتہ سرمهای متصرکری شروع به کار نکرده و به لحاظ فقدان عرضه کافی وسایل کوهنوردی، اولاً قیمتها در سطح بالایی بوده و ثانیاً کمبود وسایل همیشه مسئله‌ساز و حادثه‌ساز بوده است. به هر صورت، عدم عرضه متناسب و نبودن وسایل، همیشه به عنوان یکی از عوامل و موانع رشد و پیشرفت این رشتہ ورزشی در میهنمان بوده و در کنار سایر عوامل از رشد همه جانبه کوهنوردی جلوگیری کرده است. ما با تخصیص سرمایه در این کار، قصد داریم به سهم خودمان به تعادل عرضه و تقاضا در این بازار کمک کنیم. قصد ما، جدا از زمینه‌های اقتصادی آن، یک قصد فرهنگی و ورزشی است و لابد اطلاع داریم که اصولاً سودآوری در این قبیل موارد نسبت به سایر موارد فعالیت اقتصادی بسیار پائین‌تر است و فقط اهداف و نیتها فرهنگی و اجتماعی است که افرادی مثل ما را که عمری بر سر این کار گذاشته‌اند، به این قبیل فعالیتها می‌کشانند. به هر حال، ما تا حدی در این کار موفق بوده و توانسته‌ایم قیمت بعضی افلام را نیز بشکنیم. مثلاً طناب ۱۱



عکس یادگاری چند تن از اعضای گروه کوهنوردی کیهان در یک برنامه زمستانی

رنگین کمان



رَتِّينْ كَمانْ: قُوسْ وَ فَزْحْ؛ چَنْرِتِّينْ آسْمَانْ.
رَتِّينْ كَمانْ جَلَوهَاهِي اَذْكُوهْ دَشْ وَ طَبِيعَتْ
جَلَوهْ رِتِّكْ هَاكْتَارَهْ، در طَراوِتْ پِسْ اَزْ بَارَانْ.
اسْتْ، صَلَابَتْ مَخْرَهَاهَا دَشْوارِي بَالَرَفِينْ اَزْ
خَيَالْ اَنْكِيزْ جَوْنْ گَامَهَاهِي بَرَايِ زَمِينْ
شَبِيهَاهِي تَنَدْ در غَرَشْ تَنَدَهَا وَ بَنَزْ صَفَاهِي نَفَارَهْ
آوِيَّختَهْ بَرَ آسْمَانْ.
دَشْهَاهَا وَ مَرَاعَنْ سَرِبِيزْ وَ تَاهَهْ خَوَانِي بَادْ در شَاخْ وَ
رَاهِي رَتِّينْ اَزْ اَفْقَنْ تَاهْ اَوْجْ وَ شَبِيهَاهِي خَوشْ
برَكْ در خَتَانْ جَنَّلْ.
نَواخْتَهْ اَزْ فَرَازْ تَاهْ اَفْقَنْ.
رَتِّينْ كَمانْ چَنَّيْنْ اَسْتْ، اَزْ هَمَهْ رِتِّكْ.
چَشمْ نَوازْ وَ دَلَّتْ جَوْنْ كَرْهْ گَثَابِي عَقَدَهَاهِي پِسْ رِتِّكْ وَ وَارِتِّكْ.
اَزْكَرْبَاهْ بَارَانْ.

شد.

سلولها بر ساند. سمی بودن این گاز به اندازه‌ای

- بلندترین کوه در استوای آتش‌فشان گایا به

زیاد است که اگر یک درصد هوای تنفسی
دارای این گاز باشد در مدت کوتاهی باعث
مرگ انسان می‌شود. این گاز از اگروز ماشین،
ارتباطی، انتیتو تکنولوژی گرانفلید اخیراً
یخچال سبکی که مثل یک کوله‌پشتی قابل
حمل به وسیله یک نفر می‌باشد ساخته است.
این یخچال در ۲۴ ساعت حدود ۱۵۰ گرم

- بلندترین کوه جزیره مانند جهان، کوه

دانستنی‌هایی درباره کوهها:

- بلندترین کوه صعود نشده: کوه منفرد

درجه سانتی گراد تولید می‌نماید. این یخچال
به منظور حمل و انتقال واکسن و داروها به
نقاط دور افتاده و بدون راه و دیگر وسایل
مخصوص نقاط دور افتاده نیاز ساخته شده که
اغلب تا یک هفته پیاده روی با نزدیکرین
آبادی فاصله دارند.

- فتح نشده دنیا گاشربروم سه (با ارتفاع

در نیمه‌های بعدی که در سالهای ۱۸۴۹

- عظیم‌ترین کوه دنیا که ارتفاع آن از بستر

در اثر بد سوختن چراغهای نفتی و یا
استفاده از زغال چوب خوب نسوخته در زیر
نقشه‌برداری دولت هند تهیه شد، با استفاده از
قرائت دستگاه تئودولیت، بلندی آن برایر با
ارتفاع ۲۹۰۲۸ فوت ارتفاع از سطح دریا در
ماهیت - نیال قرار دارد که در نقشه سال
۱۷۱۷ تحت عنوان چو - مولانگ - ما آورده
شده است.

- اقیانوس تا قله آن اندازه‌گیری شده است

و ۱۸۵۰ و ۱۸۵۲ و ۱۸۶۰ و ۱۸۶۰ توسط بخش

- مونالوآ (سفیدکوه) با ارتفاع ۳۳۴۷۶ فوت

نقشه‌برداری هند به نام کوه اورست نام‌گذاری

- در جزایر هاوایی می‌باشد که ۱۳۷۹۶ فوت

قرائت دستگاه تئودولیت، بلندی آن برایر با
ارتفاع ۲۹۰۲ فوت اندازه‌گیری شد. بعد از مرگ

- آن بالاتر از سطح دریا قرار دارد.

سرجورج اورست (۱۸۶۶ - ۱۷۹۰)، این قله

- بزرگترین رشته کوه جهان رشته کوه

۵/۵ مایلی به افتخار فرمانده سابق گروه

- هیمالیا - قره قوروم است که قله را شامل

نقشه‌برداری هند به نام کوه اورست نام‌گذاری

- می‌شود. لازم به تذکر است که طویل‌ترین و

شد. اورست، پس از هلاکت یازده تن در اولین

- بزرگترین رشته کوه، رشته کوه میان اقیانوس

ترکیب شده و تولید کربوکسی هموگلوبین خون

- اطلس می‌باشد که ۱۰/۰۰۰ مایل طول و

ترکیب شده و تولید کربوکسی هموگلوبین خون

- ۵۰۰ مایل پهنا دارد که بلندترین قله آن مونت

ترکیب شده و تولید کربوکسی هموگلوبین خون

- توسعه سر ادموند هیلاری و شریا تنسینگ فتح

ترکیب شده و تولید کربوکسی هموگلوبین خون

- آید و هموگلوبین خون نتواند اکسیژن را به

یخچال نفتی قابل حمل

به منظور حمل و انتقال واکسن و داروها به
نقاط دور افتاده و بدون راه و دیگر وسایل
ارتباطی، انتیتو تکنولوژی گرانفلید اخیراً
یخچال سبکی که مثل یک کوله‌پشتی قابل
حمل به وسیله یک نفر می‌باشد ساخته است.
این یخچال در ۲۴ ساعت حدود ۱۵۰ گرم

نفت مصرف می‌کند و درجه حرارتی معادل ۵

درجه سانتی گراد تولید می‌نماید. این یخچال

مخصوص نقاط دور افتاده نیاز ساخته شده که

وزن تا یک هفته پیاده روی با نزدیکرین

آبادی فاصله دارند.

خوابی خیلی عمیق

در اثر بد سوختن چراغهای نفتی و یا

نقشه‌برداری دولت هند تهیه شد، با استفاده از

قرائت دستگاه تئودولیت، بلندی آن برایر با

ارتفاع ۲۹۰۲ فوت اندازه‌گیری شد. بعد از مرگ

سرجورج اورست (۱۸۶۶ - ۱۷۹۰)، این قله

۵/۵ مایلی به افتخار فرمانده سابق گروه

نقشه‌برداری هند به نام کوه اورست نام‌گذاری

شد. اورست، پس از هلاکت یازده تن در اولین

ترکیب شده و تولید کربوکسی هموگلوبین خون

هزار متر را پشت سر می‌گذارد، در شش هزار متری به نفس نفس می‌افتد، در هفت هزار متری گامهاش کند می‌شود، سرش گیج می‌رود، چشمهاش سیاه می‌شود و در هشت هزار متری....؟ غیر قابل تصور است، جایی که پیمودن یک مترش با کندن کوهی برابر است، و سرانجام چه عالمی است؟ چه دنیایی است و چه رازی است در قله که این همه انسانهای شیفته را به خود می‌خواند؟ تا پای مرگ می‌روند تا از آن بالا، پایین را بنگرنند. راستی آن بالا چه خبر است؟

به عنوان یک شکارچی و به عنوان یک دوستدار طبیعت، سالهای است که با کوهستان آشناشیم. شبها و روزهای بسیاری را با کوه تنها بوده‌ام؛ اما هیچ‌گاه این احساس را درک نکرده‌ام که چرا باید «حتماً» به آن بالا رسید. چه رمز و رازی در این کار نهفته است؟ یکی از تفاوت‌های اساسی کوهنوردان و شکارچیان هم همین است. به خلاف ما شکارچیان کوهنورد با طبیعت می‌جنگد، با کوه هم‌واردی می‌کند، آن را به مبارزه می‌طلبد و قصد فتح شدن دارد. شاید هم «پای گذاشتن بر سر کوه» نمادی از این فتح است که کوهنورد را

در حرارتی مایین ۲۶ - تا ۲۷ + درجه سانتی‌گراد حفظ می‌کند و هم‌چنین قادر است آبی با فشار P. S ۷۶۰ K را تحمل کند و آن را از خود عبور ندهد. در مقابل اشعه ماورای بنفش، تا حدود زیادی نسبت به مواد شیمیایی اطراف خود نیز مقاوم است و در اثر گذشت زمان، خاصیت‌های خود را از دست نمی‌دهد. البته کیفیت و خواص این پوشاش ک در اثر تماس با نمک کاهش می‌یابد؛ زیرا با توجه به خاصیت جذب رطوبت هوا، نمی‌تواند از خروج رطوبت داخلی جلوگیری کند.

برای شست و شوی پوشاش گورتکس بهترین روش این است که آن را با آب ۴۰ درجه ماشین رخت‌شوی و بدون استفاده از پودرهای لباسشویی بشویید. هیچ‌گاه پوشاش گورتکس خود را به معازه لباسشویی ندهید. بهتر است همیشه پوشاش گورتکس را در داخل کمد آویزان کنید. ضمناً گورتکس را فرق کوهنورد و شکارچی چیست؟

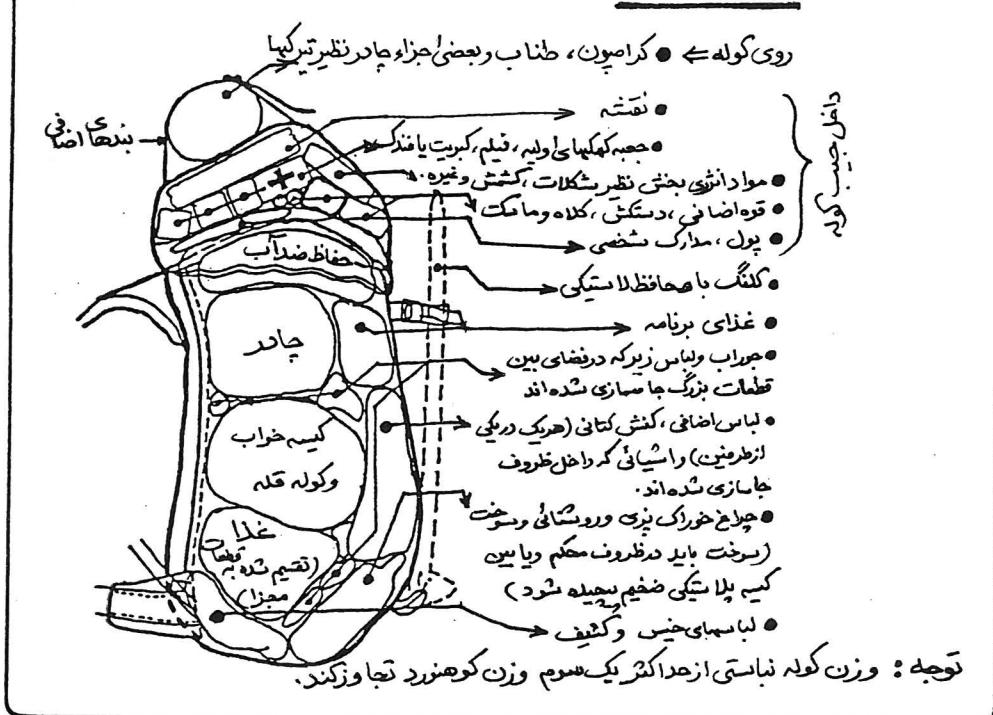
آن بالا چه خبر است؟ چه احساسی است در دل و چه فکری است در سر آن کسی که آن بالاست؟ چه نیرویی است در دستها و زانوان کوهنوردی که در راه قله است؟ پنج

پیکو در جزایر آزور است که نسبت به بستر آقianoس ۲۳۶۱۵ فوت ارتفاع دارد (۷۶۱۵) با بالاتر از سطح دریای آزاد)

دانشمندان قضایی در طرح طولانی خود برای تسخیر فضای کره ماه، به دنبال شکل مخصوصی برای بستن قسمت‌های مختلف لباس فضانور دان بودند. این وسیله جدید می‌باشد قادر باشد دو قسمت لباس را سریعاً به هم متصل نماید، در عین حالی که استحکام داشته باشد و گازهای مختلف نتوانند به درون لباس وارد یا از آن خارج گردد. سرانجام تحقیقات آنها منجر به اختراع زیپ شد. زیپ در انگلیسی واژه‌ای نسبتاً قدیمی است و معنای واقعی آن یعنی صفير گلوله، (صدای خاصی که هنگام عبور تیر از بین گوشمان می‌شوند!) دانشمندان به واسطه شباهت صدای باز و بسته شده این وسیله جدید با صدای عبور گلوله آنرا زیپ نام‌گذاری کردند.

چند نکته پیرامون نگهداری و حفاظت از «پوشاش گورتکس»
پوشاش گورتکس به خوبی قابلیت خود را

طرز گوله چینی:



می دهد. گلوبولهای قرمز نسبت به عواملی مانند اشعه زیان آور (مثل اشعه) بسیار حساسند و نخستین جایی که در بدن در مقابل مقدار زیاد تشبع آتنی یا مقدار زیاد اشعه × صدمه می بیند و از کار می افتد، همین بافت مغز استخوان است. کمبود ویتامین B، آهن و مس در غذا نیز موجب کاهش تولید گلوبولهای قرمز می شود.

قسمت مرکزی استخوانهای بلند دست و پا دارای مغز زرد است که هنگام احتیاج مبدل به مغز قرمز می شود تا بتواند گلوبولهای خون را تولید کند. استفاده از انگشتها یا مجنبدهای مسی شاید بتواند گلوبولهای قرمز را افزایش دهد.

هر میلیمتر مکعب خون یافته می شوند. از این رو خون یک فرد بالغ که ۵ لیتر حجم دارد دارای ۲۵ هزار بیلیون گلوبول قرمز است.

گلوبولهای قرمز در مغز قرمز استخوان تولید می شود. فعالیت عضلاتی، صعود به ارتفاعات و گرم شدن هوا، تولید گلوبولهای قرمز را افزایش می دهد. میزان تولید گلوبولهای قرمز به

به خود می خواند. «شکارچی» اما این چنین نیست، به جنگ طبیعت تمی رود، بلکه جزیی از طبیعت است و در پناه آن، باکوه هماوردی نمی کند، از آن استمداد می جوید. دیوارهای اگر در مقابلش سر برافرازد، به آن میخ نمی کوبد، آن را دور می زند.

(نقل از شکار و طبیعت)

صاعقه در کوه

هنگام باد و طوفان شدید در ارتفاعات و قبل از غافلگیر شدن در ابرهایی که رعد و برق از آنها عبور می کند، کلیه اشیای فلزی نظری کلنگ، میخ، کارابین، کرامپون حتی کلیدها را از خود دور کنید و از روی قله ها، تیغه ها و پر تگاهها به سمت خط الرأس ها، اشگفت ها و طاق های سنگی پناه ببرید و بازی براندازی بامهای اضافی، کوله پشتی، طناب و هر چیز عایق دیگری زیر پای خود را عایق بندی کنید تا باز الکتریکی از بدن شما عبور نکند.

سطح دریا، یعنی چه؟

تا به حال زیاد شنیده اید که می گویند: ارتفاع کوه دماوند از سطح دریا فلان مقدار است یا اینکه فلان دره، فلان مقدار پائین تر از سطح دریاست.

سطح اقیانوس ها را نیز سطح دریا می نامند. ولی سؤال این است که به طور کامل سطح دریا در کجاست؟ دریا، همیشه در حال حرکت است. حتماً اگر موجی هم نباشد باز سطح آن دائمآ بالا و پائین می رود. به علاوه جزر و مد مانع آن می شود که ارتفاع سطح دریا پیوسته باشد. کارشناسان، برای اندازه گیری تغییرات سطح آب دریا، از دستگاه مخصوصی به نام جزر و مدنخج استفاده می کنند. با این دستگاه، ارتفاع بالاترین سطح آب را در هنگام مد و پائین ترین سطح آنرا در هنگام جر ثبت کرده و اندازه می گیرند. سپس میانگین دو اندازه را به دست می آورند و نام آنرا «سطح دریا» می گذارند.

گلوبولهای قرمز

این گلوبولها به تعداد تقریبی ۵ میلیون در

معماری و گوهستان

بخشی از کتاب معماری ایرانی

نوشته آرتور پوپ - ترجمه رضا بصیری - ۱۳۶۳

معبد «زیگورات» که فرم و مفهوم آن معرف کوه می باشد، این مدخل یا دروازه به دنیای الهی با ساختن ایوان وسیعی در مقابل آن نشان داده شده است، از زمان زرتشت نهایتاً اصول دینی به نور بستگی پیدا می کند.

.... از زمانهای بسیار قدیم تمایل به پرستش و بزرگداشت کوه (گوهستان) در میان مردم خاور نزدیک رواج داشته است. زیگورات عظیم که در سرزمین های مسطح بین النهرین ساخته شده برای محو یکنواختی فلات و همچنین تقلید از کوههایی است که اطراف فلات ایران را فراگرفته و در مراسم مذهبی بکار گرفته می شده است، گرچه توسعه این بنایان عظیم مربوط به بین النهرین است (زیگوراتی که در سال ۲۲۰۰ قبل از میلاد در سومر وجود داشته) ولی منبع الهام و مفهوم آن کاملاً ایرانی می باشد. انسانی که از شرق ایران به این سرزمین قدم می گذاشت، چون نمی توانست کوههای سرزمین خود را به همراه بیاورد، لذا کوههای مقدس «کوههای همه از نیرو و انرژی هدایت می کند و در این لحظه سرزمینها» را برای خود بنانهد.

زیگورات چغازنبیل توسط اونتاش گال حیاتی است که خداوند در هنگام تصمیم پادشاه ایلامی بنا شده است. داخلی ترین دیوار داشت که در نمونه های اویله، کوهها سبل قدرت الهی در تماس با زمین است. در اولین بوده و ارتفاع آن به ۲۸ متر مرتب در پایه

منشاء ایجاد بخ و بهمن

بهمن‌ها

بسته به اینکه بهمن از قسمت سطحی پوشش برفی حاصل گردد و یا اینکه قسمت‌های عمیق پوشش برفی را هم با خود بشکد، به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف - بهمن‌های سطحی: جریان‌های سطحی برف مرطوب و تکه‌های برف سطحی که بعد از دوره باد شدید لغزش پیدا می‌کند، و بخصوص بهمن‌های بصورت برف پودری شکل، در این دسته جای می‌گیرند. این نوع بهمن‌ها عوموماً در میانه زمستان و در کوهستانهای مرتفع حادث می‌شود و سرعت ریزش آن را روی فرمول $V = 1167 \text{ h}_{\text{m/s}}$

(ا) عبارت از ارتفاع قشر برف پودری مورد نظر است) بدست می‌آید. این بهمن‌ها بسیار خطرناکند.

ب) بهمن‌های ذوب: بهمن‌های برف مرطوب سبب تولید گلهای برفی می‌گردد و سرعت آن از فرمول $V = 647 \text{ h}_{\text{m/s}}$

محاسبه می‌شود. فشارهای حاصل از برخورد این نوع بهمن‌ها بر اجسام، بین ۳ تا ۵ تن بر متر مربع است. بهمن‌های فصل بهار مخرب هستند، زیرا مسیر آنها معلوم است و سرعت آنها نیز نسبتاً ضعیفتر است و از فرمول $V = 187 \text{ h}_{\text{m/s}}$

برف تازه، فاکتور اصلی و اساسی در منشاء بهمن‌ها می‌باشد (ضخامت $1/10$ متری را ضخامت فاجعه‌آمیز میدانند) تأثیر درجه حرارت در تولید بهمن‌ها در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

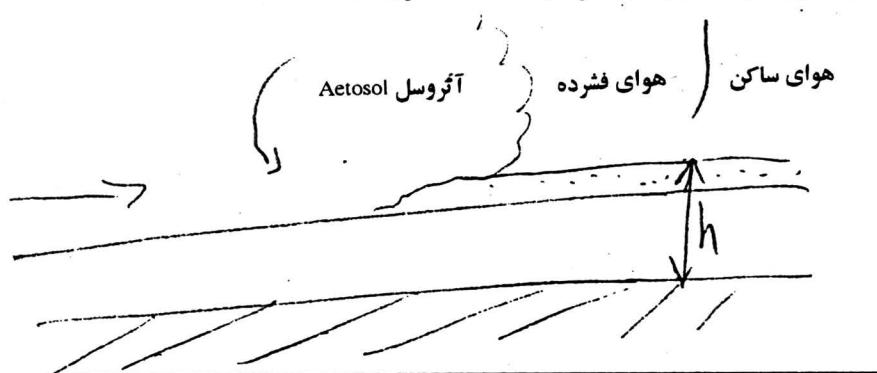
حجم کل بخ (یخچالهای طبیعی و عرقچین‌های قطبی) در حدود $28 \times 10^6 \text{ km}^3$ کیلومتر مکعب آب شیرین تخمین زده شده است. در حال حاضر در حدود ده درصد سطح کل کره زمین را یخچالها اشغال کرده‌اند. فیزیکدانان به کلیه شکل‌های آب در حالت جامد، بخ می‌گویند. برای یخچال‌شناسان و کوهنوردان کلمه بخ معرف آب جامد به صورت توده فشرده است و با کلمه برف تفاوت دارد. برف به صورت ساختمانهای یا بلورهایی همگراگونال می‌باشد و به تدریج بر روی هم انباشته می‌گردد یک نو (Neve)

(توده برفی که در حال بخ شدن باشد) را درست می‌کند. یک نو عبارت از نوعی برف است که دارای کانال‌های موئین است و این

کانال‌های موئین، جریان آب به سمت پایین را در درون توده حجمی برف امکان‌پذیر می‌سازد. موقعی که این کانال‌ها محو شوند وقتی

است که برف به بخ تبدیل گردیده است.

برحسب عیار جتابهای هوا در درون بخ، کوهنوردان بخها را به بخ سفید، بخ آبی، بخ سیاه درجه‌بندی می‌کنند. بخ سیاه عبارت از بخ است که از جتابهای هوا بسیار فقیر می‌باشد و روی صخره‌ها را می‌پوشاند. یک یخچال عبارت از توده حجمی از بخ طبیعی دائمی می‌باشد. پوشش برفی ممکن است روی شبیب دامنه‌های بلند و تغیر شکل آرامی را تحمل کند. علل لغزش به جنس سنگهای زیر آن و نیز به درجه حرارت بستگی دارد.



ساعت مخصوص کوهنوردان: یک شرکت آمریکایی، به تازگی ساعت مناسب کوهنوردی تولید کرده است. این ساعت که دارای شیشه مقاوم و ضد برف و بخ است، علاوه بر نشان دادن زمان، وضعیت آب و هواء، درجه دما و میزان فشار هوا را نیز نشان می‌دهد. ساعت مذکور ۹۹ دلار دارد و به عنوان یکی از بهترین محصولات صنعتی سال ۹۲ انتخاب شده است.

عینک دودی:

استفاده زیاد از عینک دودی موجب تبلی عضلات عنیه شده و کارکرد آنها را ضعیف می‌کند. بهترین رنگ برای شیشه‌های عینک‌ها، رنگ زرد مایل به نارنجی است. با این عینک‌ها، در عین حال که می‌توان رنگ‌های مختلف را به شکل واقعی مشاهده کرد، طبیعی تر نیز می‌باشد.



من کوه را دوست دارم.
من عاشق صخره شدم و در همه عمر، در کوهها و دره‌ها روح من چون مرغان سرگردان پرواز کرده است.

من چون عقابی آرزوی بلندپروازی را داشتم از عقابها که روی قله‌ها می‌نشینند و از قله‌ها که عقابان را بخود جای میدهند لذت می‌برم در زستان در تایستان در همه ایام روز و شب را در اندیشه کوهستان می‌گذرام گذرانم آرزو دارم بر فراز کوهستان جایی که مرغ ایام می‌نشیند جای بگیرم و از فراز قله‌ها به آسمانها درود بفرستم. به خدا سلام می‌کنم که این همه زیبایی آفرید که این همه شادابی خلق کرد.
ارنست همینگوی

در کوهستان چه خبر؟

ایران

۵ متری سقوط کرد.

صعود از کلاه قاضی به قله:

پنج نفر از کوهنوردان همدانی موفق شدند که تحریه ۱۵ سال قل را بکار دیگر تجدید کنند و از خط الرأس کلاه قاضی پس از عبور از روی تیغه‌های بیخ زده قله این کوه دست یابند. این تلاش، ۵ روز طول کشید و پنج کوهنورد همدانی قله‌های کلاه قاضی، ییختال، کلاع لان، دایم برف و قزل را از سیام دیمهای تا پنجم بهمن ماه ۷۱ صعود کردند. کوهنوردان موفق عارضت بودند از: جلال چشم قصابانی، کاظم عرب، حسین غلامی، ایرج صفادوست و حمید رضا اولیج.

گرامیداشت دهه فجر

به مناسبت گرامیداشت دهه فجر و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی گروههای مختلف کوهنوردی، اکیپ‌هایی به قله‌های کشور اعزام شد. گروه کوهنوردی تهران نیز تیمی را از طریق سرکچال به خلنو فرستاد.



صعود به خلنو در شرایط طوفانی و بادهای سخت انجام شد. نفرات شرکت‌کننده در این تیم عارضت بودند از: قربانعلی عرب، فروزان زیادلو، محمد رئوفی، مسعود خرمودی و فرهاد شیخانی. سرپرستی برنامه را قربانعلی عرب به عهده داشت. در همین ایام، تیم دیگری از سوی گروه آرش نیز به خلنو صعود کرده بود.

مسئولین هیأت استانها از طریق انتخابات تعیین می‌شوند

روز جمعه سیام بهمن ماه ۷۱، رؤسای هیأت‌های کوهنوردی استانها در سالن آمفی تئاتر ذفتر مشترک امور فدراسیون گردآمدند و به بررسی مسائل و مشکلات و تدوین سیاستها و برنامه‌های آتی خود پرداختند. در ابتدای سمینار، آقای مهندس فیاض، رئیس فدراسیون، ضمن خوش آمدگویی

حساند سال قبل، به ابتکار هیأت کوهنوردی استان، تهران، در روز پنجشنبه ۸ بهمن ماه ۷۱، سمیناری با شرکت ۱۴ گروه کوهنوردی استان تیغان در محل آمفی تئاتر ورزشگاه استقلال برگزار گردید. در این سمینار، هر یک از گروههای شرکت کننده به ارائه کارنامه و نظرات و پیشنهادهای خود پرداختند و در پایان جلسه، قطعنامه‌ای تهیه و قرائت شد. ریاست سمینار را آقای فریبرز ناصرکی به عهده داشت. گزارش این سمینار را در همین شماره اوج می‌خواهد.

نمایش فیلم صعود K2 در تهران

در جشنواره جشنواره‌ها که به مناسبت گرامیداشت دهه فجر برگزار شد، فیلمی از سینما امریکا با نام **K2** به نمایش گذاشته شد. فیلم، صعود تهور آمیز گروهی از کوهنوردان را به این قله نشان می‌داد. فیلم، آمیخته‌ای بود از تمرینات بدنی و نمایش‌های زیبای سنگنوردی بر دیواره‌ال‌کاپیت در امریکا. همچنان با این نمایش‌های دلهره‌آور که به راستی تمثیل‌چیزی را گاه از صندلیش می‌براند و گاه بر آن می‌خکوب می‌کرد، جلوه‌هایی از زندگی خانوادگی کوهنوردان اعزامی، عشق‌ها و دلهره‌هایشان، تصمیم و اراده‌شان، محیط اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌نشینان کوه در پاکستان، نمادی از دوستی و همبستگی و پیوند بین کوهنوردان - آنچا که یکی متروح می‌شود و دیگری در کارش زانو می‌زند و همراه رفیق مجرح و حوش دل به مرگ می‌سپارد. نیز زمینه و متن فیلم را لمبیز کرده بود. این فیلم که مورد استقبال شدید تمثیل‌چیان قرار گرفت، در دو سینما عصر کوچک و افریقا به نمایش گذاردۀ شد.

انتشار کتاب:

کتاب «غارشناسی» تألیف جیم کوک آبلوگ، ترجمه استاد دکتر عبدالکریم قرب به وسیله فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران انتشار یافت. کتاب، حاوی فصولی در زمینه ساز و برگ غارشناشی، فون پیشوی و اینسی، خواندن نقشه‌های اکتشافی، کاربردهای مستقیم غارشناشی، اندرزهای عملی، غارهای بزرگ جهان، نقشه‌برداری و تهیه یادداشت و گزارش و فصولی دیگر می‌باشد.

سقوط از صحنه:

روز دوشنبه ۱۹ بهمن ماه ۷۱، یک دانشجوی کوهنورد در بخش صحنه استان کرمانشاه از کوه سقوط کرد و در درم جان سپرد. وی که بهمن شکرزاده نام دارد در هنگام صعود به یکی از صخره‌های اطراف صحنه به علت عدم استفاده از وسایل ایمنی از ارتفاع

صعود بزرگ کوهنوردان کشور به قله ۳۵۸۰ متری الوند

۱۲۴ نفر از کوهنوردان سراسر کشور برای گرامیداشت خاکره شادروان «محمد دادی» نایاب رئیس قید فدراسیون کوهنوردی، در شرایط بسیار ناساعد جوی به قله ۳۵۸۰ متری الوند صعود کردند. کوهنوردان صعود کننده در قالب ۸ تیم سازماندهی شده بودند و علیرغم کولاک و سرمای شدید موقی به اجرای برنامه خود شدند. در پایان این برنامه که با همکاری سازمان آب منطقه‌ای استان همدان انجام شد، به شرکت‌کنندگان در این صعود لوح یادبودی داده شد. ۴۸ تیم به نمایندگی هیأت‌ها و گروههای مختلف کوهنوردی در این صعود شرکت کرده بودند. همچین، نظرات رسانی سانند مهندس سیرسلیم و پیش‌کسوتان و مریان قدیمی سانند دکتر صالحی، عزیزاله خلیج، ماقر عیوضی، مرتضی موسوی، علی طاهری، سادق آقاجانی، مهدی داوربیور و دیگران در این برنامه حضور داشتند.

جلسات ماهانه کمیته فنی فدراسیون:

به ابتکار کمیته فنی فدراسیون کوهنوردی، همه ماهه در ساعت ۱۵ بعدازظهر اولین شب نشستی در سالن آمفی تئاتر دفتر مشترک فدراسیون‌های ورزشی در محل استادیوم شهید شیرودی برگزاری می‌گردد.

اولین نشست، در روز شب سوم بهمن ماه ۷۱ در آمفی تئاتر برگزار گردید. در این گردشایی پس از خوشامدگوئی محدث‌تفی بپروردگاری برنامه رسانی و گفتاری درباره چگونگی اجرای برنامه رسانی و تنهیات موجود در ایران به وسیله عاسی محمدی ایجاد گردید، و سپس گزارشی از صعود هیأت ایرانی و از پیوند به قله‌های مانلو به وسیله جلال رابوکی همراه با نمایش فیلم و اسلايد داده شد و نظرات شرکت‌کننده در این صعود به حصار معرفی گردیدند که به گرمی برای آنها ابراز احساسات گردید. افراد قدیمی و سرشناشی مانند: خاکدیز، مهندس نوروزی، اسدی، زاکاریان و تی چند در این گردشایی شرکت داشتند.

در پایان، برنامه جلسه آینده مشتمل بر گفتاری درباره محیط زیست و گزارشی از یکی از برنامه‌های صعود به قله‌های جیسا لایا بین شرکت‌کنندگان پخش شد.

اجلاس هیأت و گروههای کوهنوردی استان تهران:



شده است. رهبری افخاری این صعود را هیلاری ۷۲ ساله به عهده می‌گیرد. هیلاری، نیوزلندی است و اولین فردی است که در سال ۵۲ به اتفاق شرپایش تسینگ برخاز این بلندترین قله جهان پای نهاد.

کوامیداشت چهلمین سالگرد فتح اورست:
به مناسب چهلمین سالگرد فتح اورست، در ماه مه ۱۹۹۳ میلادی صعودی به قله اورست با چند شرکت چند تیم از کشورهای مختلف جهان طراحی

بیلانی از کار فدراسیون در سال ۷۱ را ارائه داد و خط مشی‌های آنی فدراسیون را بر شمرد. وی گفت: مهمترین خط مشی مادر سال آینده آموزش جوانان است و سال ۷۲ را باید «سال جوانان» نام‌گذاری کرد. وی اظهار داشت، علاوه بر مسئله جوانان، از محورهای عمله ما بسط آموزش عمومی کو亨وردی و تقویت امداد در کوهستان است که متأسفانه در سال ۷۱ ما نتوانستیم آن طور که شایسته است در این زمینه‌ها گام برداریم، اما امیدواریم در سال ۷۲ این تقدیمه را جبران کنیم. فیاض اظهار داشت در سال ۷۱ ما حدود ۱۱۰ میلیون ریال صرف کو亨وردی کردیم که امیدواریم در سال آینده بودجه بیشتری جذب کنیم. از مسائلی که در این سمینار عنوان شد، تدوین آینین نامه آموزشی، احداث دیواره‌های مصنوعی در استانها، مرمت پناهگاهها موجود و ساخت پناهگاههای جدید، انجام انتخابات برای تعیین مسئول هیأت استانها و مطالب دیگر بود.

در نور دیدند. تصمیم برای این صعود وقتی گرفته شد که تیم حمله زاپنی، شکست خورده و به کمپ اصلی برگشته بود. نظر صابر، تنها کو亨ورد پاکستانی است که چهار قله بالای ۸ هزار متر را تکون صعود کرده است.

- در «گاشبروم دو» نیز چهار تیم از شش تیم حمله کننده موفق به صعود به ۸۰۳۵ متری از مسیر «نورمان» شدند.
- قله ۸۰۴۷ متری برادیپک نیز مورد حمله قرار گرفت و برای اولین بار قله مركزی آن از سمت چپ که ۸۰۱۶ متر ارتفاع دارد تو سط ۶ نفر از تیم کاتالان به سپریستی جودی مارگریتا و کورت دپمگر فتح شد. قله اصلی نیز از سمت پاکستان مورد حمله قرار گرفت. در این حمله که نفرات سه تیم اسپانیایی، امریکائی و زاپنی در آن شرکت داشتند، تیم مشترک در حمله نخست موفق به صعود نشد. اما، بعد از سازماندهی مجدد قله را در نور دیدند. در این صعود، یکی از افراد تیم دچار سرمازدگی پا شد که با هلیکوپتر به پائین برگردانده شد.

- قله ۸۱۲۵ متری «نانگاپاربات» هدف حمله ۱۰ تیم فرار گرفت. اما فقط ۶ تیم موفق به صعود آن شدند و جمعاً ۱۲ نفر به قله رسیدند. این صعودهای تاماً از مسیر «کینشوفر» و با روش کلاسیک انجام گرفت.
- در منطقه هیمالیای هند، یک تیم کو亨وردی متشكل از زنان هندی قله ۶۹۴۰ متری «ساراس واتی» را صعود کردند. یازده نفر از اعضا این تیم به قله رسیدند. در این بین، قله «ماموستانگ کانگری» که قرار است در سال ۹۳ بوسیله تیم مشترک زنان هندی - انگلیسی صعود شود، به وسیله تیم زنان هندی صعود گردید.

۳۸۴ با برخاز اورست:
قله ۸۸۴۸ متری اورست، تاکنون به زیر پای ۳۸۴ کو亨ورد درآمده است. نخستین انسانهایی که پا به سر آن گذاشتند ادموند میلاری و شرپای تسینگ نورگی بوده‌اند. این کار به سال ۱۹۵۲ اتفاق افتاد. از آن زمان تا کنون ۴۰ سال می‌گذرد و تکنیک و تجهیزات کو亨وردی از آن زمان به این طرف راه تکاملی زیادی را پیموده است. شایان ذکر است که امسال ۳۰ کو亨ورد از پنج گروه مختلف کو亨وردای در یک روز همگی موفق به صعود این قله شدند که خود رکوردی در تاریخ اورست به شمار می‌رود.

در منطقه هیمالیا:

به علت هوای بد، ماه رُوئیه امسال، اغلب تیم‌هایی که قصد صعود به قله‌های مختلف منطقه را داشتند با شکست مواجه گردیدند. اما، تعدادی صعود موفق نیز داشتند:

- صعود به قله K۲ از پال ابروزی؛ این صعود، اولین صعودی بود که بعد حادث سال ۱۹۶۷ که منجر به مرگ ۱۳ کو亨ورد از جمله آلن راس گردید، اتفاق افتاد. تیم حمله، بعد از تلاشی سخت پایی بر قله فشود. در این تیم یک زن فرانسوی به نام شانتل مادونیت نیز شرکت کرده بود.

- پس از شکست سه تیم حمله روی «گاشبروم پک» شرپای معروف پاکستانی «نظری صابر» به اتفاق دوشربای دیگر، این قله را طرف سه روز

جهان

پای پیاده به طرف قطب جنوب: سه نفر زاپنی با پای پیاده به سوی قطب جنوب ره سپردند. این عدد، ۶۷ روز راه رفتند و ۱۴۰ کیلومتر را پیمودند تا اینکه به قطب رسیدند. در این سفر، آنها مقادیری از یخها و برف‌های گوناگون صخره‌ها را جمع آوری کردند تا از نظر شکل گیری و تغییرات داخلی مورد پژوهش قرار دهند. از قطب جنوب، یک هیأت علمی زاپنی که با هواپیما به آنجا سفر کرده بود، تیم پیاده را مورد استقبال قرار دارند.

کنفرانس‌ها می‌توانند در اختیار سایر گروه‌های کوه‌نوردی قرار گیرند، برآنی همراه‌نگی و تعیین نوبت با کریم نوری خامنه‌ای تلفن ۹۱۱۲۹۲۵ / ۰۶۷۶۹۴ تا ۷۶۷۶۹۲ تماس گرفته شود.

□ آقای مهرداد رستگار - کرج

در پاسخ سوال شما راجع به تشکیل «یخچال‌های محلی» و «اسامی و مشخصات یخچال‌های ایران»، اختصاراً اطلاعات زیر را درج می‌کنیم:

همزمان با دوره‌های یخچالی کرده زمین، در نواحی مرتفع و کوهستانی نیز یخچال‌های محلی به صورت محدود یا وسیع تشکیل گردید. این نوع یخچال‌ها را در مقابل یخچال‌های فاره‌ای، یخچال گرم می‌نامند، زیرا حرارت هوای مجاور یخچال کوهستانی غالباً بالاتر از صفر است. حال آنکه، حرارت یخچال‌های فاره‌ای در هیچ زمانی از سال به بالاتر از صفر نمی‌رسد. یخچال‌های کوهستانی را با توجه به محل پیدا شدن آنها به اسمی مختلفی می‌خوانند از جمله یخچال‌های دره‌ای، فلاتی، دامنه‌ای، بیرون کوهستانی و غیره.

یخچال‌های ایران را می‌توان از نوع یخچال‌های کوهستانی دانست. مهمترین یخچال‌های ایران عبارتند از:

منطقه استقرار	نام	ارتفاع از سطح دریا
دماوند	دبی سل	۳ تا ۵ هزار متر
دماوند	سیوله	۳/۷ تا ۵ هزار متر
دماوند	اپله	۳/۸ تا ۵ هزار متر
دماوند	خورتاب سر	۳/۳ تا ۴/۵ هزار متر
زردکوه	چال خرسانی	۴ تا ۴/۴ هزار متر
زردکوه	چال میشان	۳/۸ تا ۴ هزار متر
زردکوه	پورسونان	۴ هزار متر
علم کوه*	اسپلیت	۴ تا ۵ هزار متر
علم کوه*	علم چال	۳/۹ تا ۴ هزار متر

□ آقای رضا کمال، سربرست گروه کوه‌نوردی همراه نوشته‌اند:

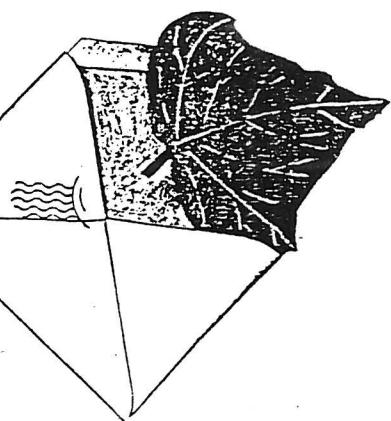
«مطلبی که جای آن در اوج خالی به نظر می‌رسد گزارش برنامه است. جای یک گزارش برنامه صعود به همراه کروکی منطقه و مسیرهای صعود کشورمان به همراه کروکی منطقه و مسیرهای صعود که مناسب آن فصل باشد در لابلای مطالب خواندنی اوج خالی است که امیدوارم در شماره‌های بعدی خواننده آن باشیم.»

در جواب عرض می‌کنیم که اولاً در شماره‌های قبلی اوج، گزارش‌هایی از صعود به فله‌های ایران داشته‌ایم. ثانیاً، یک گزارش باید ارزشمند و حاوی نکات نو و تازه باشد تا چاپ آن موجب تکرار و قایع نشده و خستگی خواننده را بدبار نیاورد. به هر حال، به چشم در شماره آنی اوج، یک گزارش فروندگاه مهرآباد، جنب ادارات مرکزی هسا، تنفس آرزومندیم.

□ گروه کوه‌نوردی هما به ما می‌نویسد:

«در مورد حفاظت محیط زیست و نگهداری از طبیعت که جلوه‌های الهی هستند، سخن‌ها گفته و مطالب بسیاری نوشته شده است. اما، بعضی مواقع به مناظری برخورد می‌کنیم که افسوس و فضای از دل برmi آورد و این سوال برای انسان مطرح می‌شود که چرا باید بعضی افراد میراث‌ها و گنجینه‌های طبیعی کشور خود را به این آسانی ویران کنند؟

چندی پیش، برنامه بازدیدی از غار کتله‌خور گرماب زنجان داشتیم. شاید بتوان گفت که این غار، یکی از زیباترین غارهای ایران و حتی جهان است. شما کمتر در جائی به این همه زیبائی و شکفتی و اعجاب برخورد می‌کنید. اما، با صد افسوس و دربع، که جا به جا روی استالاگمیت‌ها و استالاگمیت‌ها را از ناحیه بعضی گروه‌های کوه‌نوردی می‌بینید که خود بایستی پاسدار و حافظ این گنجینه‌ها باشد و بدانها عشق بورزند؟ راستی این سهل‌انگاری و ندانم‌کاری از چیست؟ آیا به این کار فقط می‌توان نام سهل‌انگاری گذاشت؟ آیا در کشور قوانین و مقرراتی وجود ندارد که حافظ منابع طبیعی باشد؟ نقش فدراسیون کوه‌نوردی و یا سازمان حفاظت آثار باستانی در این میان چیست؟ چرا صدا و سیما یکدیگر برنامه آموزشی در این زمینه فراهم نمی‌کند؟...»



پایانی پنهانیها

□ گروه کوه‌نوردی هرم تبریز، نشریه اوج را مورد محبت قرار داده و ستداند. ضمن تشرک از صفاتی باطنی و قلبی این دوستان، کپی فرم گزارش برنامه‌ای را که خواسته بودید به آذرستان فرستادیم.

موفق باشد!

□ آقای حسین مهجوی

دوست باوفای اوج:

به دفتر گروه کوه‌نوردی تهران آمد و بودید. شناس نداشتیم تا شما را ملاقات کنیم. ما فقط بعد از ظهرهای روزهای شنبه و چهارشنبه در دفتر گروه جلسه و اجتماع داریم. لطفاً در این ساعات و ایام بیایید که فرصت دیدار و نشست فراهم شود. مدتی است که برای ما چیزی نوشته و نفرستاده‌اید. برای خرداد ماه ۷۲ قصد انتشار «ویژه‌نامه‌ای را داریم، چه خوب است که برای ما تا آن موقع مطالبی بفرستید.

□ گروه کوه‌نوردی توانیر:

وجه ارسالی شما برای نشریات شماره یک تا هفت رسید. با تشرک فراوان، در حال چاپ مجدد نشریات قلم‌های هستیم که به محض آماده شدن برایتان خواهیم فرستاد.

□ یکی از دوستان:

که اسم خود را در نامه‌اش نوشته و یا فراموش کرده بتویسید، به ما نوشته است که چرا شما به نامه‌های رسیده پاسخ جدآگانه نمی‌دهید و یا در مورد مطالب ارسالی آنها اعلام وصول نمی‌کنید؟

پاسخ اینست که ما طبق روش مرسوم، اینکار را در

«اوج»، هر دوره انجام می‌دهیم و تاکنون چیزی نبوده است که از قلم افتاده باشد. شاید این دوست ما بگوید که تا انتشار اوج در شماره آتی، قدری دیر باشد و بهتر است جداگانه نیز اعلام وصول گردد. به چشم این کار را خواهیم کرد، پوزش ما را تاکنون پذیرید.

نام	خواص
شقاقیت	تصفیه خون - جهاز تنفسی
شاهدته	ضد تب - امراض جلدی
بنفسه	جهاز تنفسی
پرسیاوشان	جهاز تنفسی
بورنه	امراض معدی
اناریچه	امراض معدی - مصرف غذائی
کندتا	مسکن درد - بواسیر

□ گروه کوه‌نوردی هما پیام فرستاده است که سالن اجتماعات مرکز فرهنگی - ورزشی هما واقع در فروندگاه مهرآباد، جنب ادارات مرکزی هسا، تنفس آرزومندیم. برای نمایش فیلم و اسلاید و سامینارها و آرزومندیم.